

نبرد خلق

ارگان

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال

دوره چهارم - سال نهم
اول خردادماه ۱۳۷۲ - شماره ۹۶

اطلاعیه

دبیرخانه شورای ملی مقاومت

آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت ایران، نامه اخیر بازرگان، اولین نخست‌وزیر خمینی را که توسط خیرکزاری فرانسه در ۲۲ اردیبهشت مخابره شده و در آن علیه حکومت نقض حقوق بشر در ایران و تروریسم صادراتی ملایان توسط جوامع بین‌المللی موضع‌گیری شده است، یک خوشترقمی تفرانگیز خواند و پیش‌کشیدن تهدید، تمامیت ارضی و ثبات ایران توسط بازرگان را پیش پرداخت مشمنزکننده‌ی در آستانه نمایش انتخابات ریاست جمهوری دیکتاتوری مذهبی و تروریستی، به امید دریافت امکانات و امتیازات حقیرانه توصیف نمود. آقای رجوی این موضعگیری را مخالف عالی‌ترین مصالح مردم ایران، یعنی سرنگونی حاکمیت نامشروع آخوندی، و یکی دیگر از مظاهر همان حیات خفیف و خانقانه‌ی بی‌دانش که بازرگان و همسلکان او در نامه ۱۲ مهر ۶۷ به خمینی، به آن اشاره کرده بودند، مسئول شورا اعلام کرد:

۱ - بازرگان و شرکا، برای تطهیر رژیم خمینی از جنایت پیشمار تروریستی و نقض وحشتناک حقوق بشر در ایران ادعا کرده‌اند. اتهام حمایت از تروریسم که آمریکا ایران را به آن متهم می‌کند... به منظور آماده کردن افکار عمومی مردم آمریکا برای مداخله و اشتیاق در یک حادثه احتمالی در خلیج فارس و به‌کار گرفتن مجازاتی‌هایی علیه ایران و اشتغال احتمالی جزیره نفتی خارک مطرح می‌شوند. این استدلال سخیف تکرار بی‌حکومت دجال‌های آخوندی و منطق جلدان و دژخیمانی است که پیوسته می‌خواهند جنایات خود را با علم کردن خطرات واهی خارجی بپوشانند. مردم ایران به‌خوبی می‌دانند که خمینی پیوسته سرکوب و شکنجه و اعدام‌های گسترده را با دستاویز جنج با عراق یا مقابله با «توطئه آمریکا و اسرائیل» توجیه می‌نمود. بنابراین در شرایطی که جهان، در پرتو افشای‌های مقاومت عادلانه مردم ایران، رژیم خمینی را تاکنون ۱۸ بار در کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی ملل متحد محکوم کرده است، تلاش مذبحخانه بازرگان و شرکا و بهانه‌جویی‌های آخوندی آنها، هیچ‌کس را در داخل و خارج ایران نمی‌فریبد و تنها مبین عمق سفلی کسالتی است که دشمن دژخیمان را تیز می‌کنند. توجیه تروریسم عریان و صدور رجوع دیگر امکان‌پذیر نیست و خون جوشان یکصد هزار تن از رشیدترین فرزندان مجاهد و مبارز این میهن که توسط این رژیم اعدام شده‌اند، در مراحل دامنگیر آخوندها و شرکایشان خواهد در صفحه ۷

اسرائیل در تقابل با "خطر سبز"

در صفحه ۵

بحران ولایت فقیه و چشم‌انداز رژیم

در صفحه ۲

سلسله عملیات مجاهد شهید علی اکبر قربانی

۸ انفجار لوله نفت، ازبای در آمن بیش از ۲۰۰ تن از پاسداران سرکوبگر، انهدام بیش از ۵۰ خودرو و چندین پایگاه دشمن و فعالیتهای تبلیغی در شهرهای مختلف رزمندگان مجاهد خلق طی سلسله عملیاتی بنسجام مجاهد شهید علی اکبر قربانی، ضربات و خسارتی سه دشمن زبون ضحتری وارد نمودند. بنابه اطلاعیه ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور، این عملیات در مناطق زیر بروده است: انفجار بیابانی، کوه نعلبند در بهمینشیر - درگیرهای متعدد با پاسداران و بسیجیان در نخلستانهای جنوب، در خرابه‌های و همچنین در صالح آباد ایلام - به آتش کشیدن یک خودروی مزوران... در میدان شهرداری ساری برترب بس به سوی مردوران

۸ انفجار لوله نفت، ازبای در آمن بیش از ۲۰۰ تن از پاسداران سرکوبگر، انهدام بیش از ۵۰ خودرو و چندین پایگاه دشمن و فعالیتهای تبلیغی در شهرهای مختلف رزمندگان مجاهد خلق طی سلسله عملیاتی بنسجام مجاهد شهید علی اکبر قربانی، ضربات و خسارتی سه دشمن زبون ضحتری وارد نمودند. بنابه اطلاعیه ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور، این عملیات در مناطق زیر بروده است: انفجار بیابانی، کوه نعلبند در بهمینشیر - درگیرهای متعدد با پاسداران و بسیجیان در نخلستانهای جنوب، در خرابه‌های و همچنین در صالح آباد ایلام - به آتش کشیدن یک خودروی مزوران... در میدان شهرداری ساری برترب بس به سوی مردوران

مسئول شورای ملی مقاومت ایران

در مورد توپ باران
مهاجران کرد ایرانی

دو هفته است که توپ باران گوروستاها و مسردم سی دفاع غیر نظامی و هم‌زمان کرد برای ما در استان منطقه مرزی کردستان عراق توسط حکومت آخوندی ادامه دارد. علاوه بر این رژیم خصی مستتر سلسله تجاوزات آشکار و وارد نمودن قوای نظامی خود از جمله به مناطق حاج عمران و بسیجین تا تسخیر چند کشور مستری خاک عراق دست یازیده است. بقای خمینی سلسله موارد و بطور هم‌زمان اقدامات سرکوبگرانه خود سر ضد مردم ستمزده و محروم کردستان ایران در مناطقی مرزی در داخل خاک میهن ما را هم تشدید نموده و آنها را به ترک روستاها و دست کشیدن از خانه و کاشانه‌شان وادار می‌کنند.

رفسنجانی و خامنه‌ای پیشدستی نموده و به ضرب گلوله و توپ و با سرکوب و آواره نمودن مردم بی‌پناه و بی دفاع در صدد ایجاد یک کمربند عربی امنیتی در طرفین مرز بین المللی هستند. روزگارانیک تصماح ریختن برای افراد به پایان رسیده و سرمداران رژیم خصی در حالیکه در "شورا ایالتی امنیت" خود تصریح می‌کنند که با تهدید نظامی بالفعل در این مناطق مواجه نیستند، اما با توجه به شرایط کنونی منطقه‌ای و بین المللی می‌باید این مناطق را سرای آینده غیر قابل استفاده و غیر قابل عبور سازند، از نظر حکومت آخوندی دم زدن از افراد و حقوق آنان تا آنجا که علیه عراق باشد مجاز و پرفایده است. اما به مجسرد اینکه در ارتقیر شرایط بین المللی، انگشت گذاشتن بر روی مسئله حقوق بشر و حقوق اقلیت هسا در صفحه ۱۱

بعد از ویدئو موسیقی، ماهواره . . .

در صفحه ۹

قطعنامه پارلمان لوکزامبورگ

در حمایت از شورای ملی مقاومت در صفحه ۲

دیدار

دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران
رهبری انقلابی

با

مسئول شورای ملی مقاومت ایران

در صفحه ۴

در این شماره:

- ۸ اخبار و رویدادهای سیاسی
- اعتماد کارگران کارخانه چیت سازی به شهر
- اعتراض دانش آموزان دبیرستان بهشتی
- آخوند فاسد
- برخی از رویدادهای تاریخی
- شهادت فدایی خردادها
- به دعوت کنگره آمریکا جلسه سخنرانی و شام به افتخار مسئول کمیون خارجی شورای ملی مقاومت برگزار شد.
- سلمان رشدی

بحران ولایت فقیه و چشم انداز رژیم

چه موضع ضعف و بن بستنی قرار دارد. نتایج پستی از انتخابات چهارمین دوره مجلس ارتجاع، نشان داد که نه فقط از "گشایش" خبری نیست، بلکه بسازی عوامفریبانه رفسنجانی که مدتی توانسته بود در داخل و خارج کسانی را بفریبید، به پایان رسید. هم خاصه ای وهم رفسنجانی، در ضعیف ترین نقطه خود قرار گرفتند. جنبش شهرها و مقاومت مردمی، رژیم را در موقعیتی قرار داد که امکان هرگونه "مانور" از آن سلب می شود. در مقابل خامنه ای، صدهایی از قم بلند شده و در حالی که او نتوانسته "حوزه" ها را اشغال کند، هر روز بسا در دسرهای تازه ای از جانب "حوزه" ها روبرو می شود. برجسته ترین نمونه این نافرمانی از جانب آقایی منتظری که پس از مرگ خوئی خود را برای مرجعیت مورد پذیرش همگانی آماده می کند، صورت گرفت. منتظری می داند که گلبایگانی مدت زیادی رنسنده نخواهد ماند و اراکی نیز نمی تواند نقشی در کمک به خامنه ای بازی کند. خامنه ای جنایتکار نیز از محاسبات

انتخابات ریاست جمهوری رژیم اینبار در شرایطی بر گزار می شود که بحران در اس هرم حاکمیت، رژیم را هر روز فرسوده تر می کند. رژیم ولایت فقیه از ابتدا بی علت ساختار قرون وسطایی و ارتجاعی آن، با کل جامعه از یک طرف و بازیربانی اقتصادی جامعه از طرف دیگر در تضاد بود. تضاد بین رژیم ولایت فقیه و جامعه یک تضاد بنیادی بوده و هفتاد و هشتاد ساله است. ولایت فقیه، تا وقتی خمینی زنده بود، از لحاظ رهبری هرم حاکم، بی علت نقش ویژه خمینی در دستگاه روحانیت حاکم، از انسجام برخوردار بود. خمینی بی علت نقشی که پس از ۱۵ خرداد ۴۲ بازی کرده بود و نیز بی علت یک مجموعه خصوصیات قادر بود باند های درون هرم ولایت فقیه را کنترل و اهر کدام از این باندها به موقع خود استفاده کند. سرگرد خمینی رژیم ولایت فقیه را در وضعیت جدیدی قرار داد. در حالی که بقایای خمینی خواستار حفظ رژیم بشکل سابق بوده و منافع آنها نیز همین را ایجاب می کرد، اما آنها بهیچوجه نمی توانستند جای خمینی را با هیچ کس دیگر پر کنند. آیت الله یک ششده در شرایطی پذیرفته شد که تمام باندهای داخلی رژیم، خطر سرنگونی را شدت احساس می کردند. مرگ خمینی بوی الرحمن رژیم را هم به همه جا می پراکند و در چنین شرایطی خامنه ای بمتابه رهبر و رفسنجانی بمتابه مسئول اجرائی حکومت با هم وحدت نموده و هر کدام که به دیگری شدت احتیاج داشتند، همدیگر را حمایت می نمودند. در این موقعیت البته خامنه ای بمتابه ولی فقیه، باید ادا و اطوارهای "رهبر مسلمین" را تقلید کرده و رفسنجانی با "مانورهای امروزی، این گونه وانمود نماید که رژیم بعد از خمینی گویا قادر است "امروزی" شود و خود را با الزامات شرایط جهان در پایان قرن بیستم "بتدریج" تطبیق دهد. ماجرای کویت و جنگ خلیج فارس، به دار و دسته رفسنجانی - خامنه ای برای بازی فریبکارانه شان کمک بسیار نمود. در واقع چهره کذابی رفسنجانی و جنگ خلیج فارس دو عاملی بودند که در آن شرایط به رژیم هم از لحاظ داخلی وهم از لحاظ بین المللی کمک بسیار نمودند. اما دیری نیاید که عوامل کمکی گذشته، اثر سر تکین دهنده خود را از دست داده و بحران رژیم با شدت هر چه بیشتر خود نمائی نمود. خامنه ای در ابتدا بسا قبول جدایی "مرجعیت" از "رهبریت" که ضمنا هیچ گریزی از آن نداشت، به بعضی از نیا زهای آخوندهای حوزه نشین پاسخ داد. اما رژیم ولایت فقیه در شرایطی که خمینی زنده بود، دارای یک رهبر و مرجع مطلق بود که البته می توانست آخوندها را کنترل کند. اما این قبا برای خامنه ای بسیار گل و گشاد است و همین جدایی "مرجعیت" از "رهبریت" وضعیت خامنه ای را در کنترل جناح ها به بن بست می رساند. خامنه ای هم در انتخابات مجلس خبرگان وهم در انتخابات چهارمین دوره مجلس ارتجاع، مجبور شد تا یک پاره از تن ولایت فقیه را قربانی کند. این اقدام گرچه در ابتدا برای عده ای خبراز "گشایش" می داد، اما در واقعیت معلوم بود که خامنه ای در حالی که در موضع ولایت فقیه مجبور به دور انداختن تکه ای از تن خود است، در

تحمل می کنند و رفسنجانی را در موقعیتی قرار می دهد که نتواند هیچگونه اقدامی خارج از چارچوب تعیین شده توسط خامنه ای و جناح بازار انجام دهد. معلوم است که این رفسنجانی دیگر رفسنجانی چهار سال قبل نبوده و در حالی که در جهت "گشایش" هیچ گونه اقدام موثری نتوانسته انجام دهد، مجبور است برای انسجام رژیم بن به قبول شرایط جناح مفاصل دهد. ضمنا این وضعیت نیست که بتواند سود رژیم را تغییر کند. برعکس شرایط داخلی و بین المللی هر روز رژیم را هر چه بیشتر در تنگنا و بن بست قرار داده و او را مجبور به انجام اقداماتی می کند که موجب تشدید هر چه بیشتر تضاد رژیم با کل جامعه، مسردم و جهان خارج می شود و مهمتر از همه قدرت مانور رژیم که روزی رفسنجانی بمتابه "میدان دار" آن روی آن محاسبه بسیاری می کرد، به پایان می رسد. ناطق نوری این وضعیت را به نحو بسیار روشنی توضیح می دهد و می گوید: "برخی ساده لوحانه مطرح می کنند که ما قدری در برابر غرب کوتاه می بینیم نافعها کاهش باید آید. اینها می توانند بگویند اگر چقدر کوتاه بیاییم فشارها کم می شود؟ مگر می شود در مورد ارمان فلسطین و مسئله سلمان رشدی کوتاه آمد؟ اگر ما

شرایط داخلی و بین المللی هر روز رژیم را هر چه بیشتر در تنگنا و بن بست قرار داده و او را مجبور به انجام اقداماتی می کند که موجب تشدید هر چه بیشتر تضاد رژیم با کل جامعه، مردم و جهان خارج می شود و مهمتر از همه قدرت مانور رژیم که روزی رفسنجانی بمتابه "میدان دار" آن روی آن محاسبه بسیاری می کرد، به پایان می رسد

در یک حدود کوتاه بسایم، یک حاکم را از دست داده ایم و دشمن به همان میزان جنومی آمد و قدرتمندتر می شود. ما نباید در راهی که می بینیم تردید کنیم و نمی کنیم." (سال ۷۲ - ۷۳)

جوهر حرف آخوند خاق نوری اینست که "حزب الله می رسد، تاریخ نمی پذیرد" ولی آخوند نوری یک نکته را بنیان می گذارد و می تواند بر زبان ساورد او خوب می داند که شعار "حک، حنگ، تنگنا پیروزی" چگونه تا شکست رژیم و نوشتن جام زهر بوسیله خمینی نقش سرآب شد. عواملی که خمینی را مجبور به نوشتن جام زهر نمود، امروز با شدت و قدرت و آمادگی هر چه بیشتر و در یک موقعیت مناسب داخلی و بین المللی، بسراخ خامنه ای، رفسنجانی و ناطق نوری و ... خواهند رفت. با این تفاوت که دیگر از جام زهری که بتواند رژیم را برای مدتی سرپا نگهدارد خبری نبوده و این بار سر نوشت محتوم رژیم، یعنی سرنگونی تام و تمام آن تحقق خواهد پذیرفت.

مهدی صاع
۷۲/۲/۲۵

اطلاعیه

از صفحه ۷

آنرا دریافت نخواهد کرد. به طمع استفاده از بحرانی که در این ایام سراپای رژیم را فرا گرفته، بازم به دنبال آزادیهای مبتنی بر قانون اساسی، ولایت فقیه برآمده است. مردم ایران آزموده اند و به خوبی می دانند که ولایت فقیه و حاکمیت آخوندی و قانون اساسی مبتنی بر آن، هیچ قربانی با آزادی و حاکمیت ملی نداشته و با آن در تعارض آشتی ناپذیر است.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران - پاریس

۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۲

اخبار و رویدادها....

از صفحه ۱۲

امتحان اخراج می‌گردند. این دانش آموزان با شکستن کلمه شیشه‌های دبیرستان و تخریب دفتر دبیرستان و دفتر انجمن اسلامی وسیع ۱۰۰ خساراتی بالغ بر ۷ میلیون ریال به مدرسه وارد کرده و سپس اقدام به تجمع و راهپایان در خیابان اصلی می‌نمایند. یکی از دانش آموزان که خود شاهد وقایع بوده می‌گوید:

رئیس دبیرستان پس از گفتگوی با یکی از معاونین خود که افسر بازنشسته ارتش است، دانش آموزانی را که موی سرشان بلند بود، در حالی که مشغول گذراندن امتحان بودند از جلسه بیرون می‌کند و پس از مدتی کوتاه تقریباً ۸۰ نفر دانش آموز از ادامه امتحان محروم می‌شوند. دانش آموزان که علت اخراج خود را نمی‌دانستند و در حالی که هیچ‌کدام از مسئولین مدرسه به اعتراض آنها جواب نمی‌دهند، به عنوان اعتراض اقدام به شکستن شیشه‌های مدرسه بهشتی و هرسنن جنب آن می‌نمایند و سپس با حمله به اتاق بسیج و انجمن اسلامی و اسلحه‌ها از آن بیرون می‌برند و با آوردن مقداری از اسلحه در محوطه مدرسه و به آتش کشیدن آن به اعتراض خود شدت می‌دهند.

دانش آموزان با تجمع در خیابان مقابل مدرسه و ایجاد مانع در مقابل تردد و اسلحه نقلیه، توجه مردم را بخود جلب می‌کنند و شروع به شعار دادن علیه رژیم، انجمن اسلامی، رفسنجانی و خامنه‌ای می‌کنند. مردمی که از آن منطقه عبور می‌کردند، ضمن حمایت از حرکت دانش آموزان با آنها در شعار دادن همراهی می‌کنند.

در این حرکت هنگامی که مردم بسیاری در مقابل مدرسه جمع شده بودند، یکی از دانش آموزان، روی دیوار دبیرستان رفت و ۲ عدد پرچم جمهوری اسلامی را پایین کشیده و در میان آتش می‌اندازد. پس از مدتی یکسان ویژه ضد شورش رژیم با تجهیزات کامل به محل آمده و به سرکوب دانش آموزان و افراد حاضر در محل می‌پردازد و ۵۰ نفر از جمع کنندگان در مقابل مدرسه را دستگیر و تا ساعت ۵ بعد از ظهر در محل مدرسه مستقر می‌شوند. عصر همان روز تعداد ۲۵ نفر دستگیر شدگان آزاد و از سر نوشت ۱۵ نفر دیگر خبری در دست نیست.

آخوند فاسد

آخوند حسین زاهدی که در گذشته رهبر "سپاه جاگان" گلوگاه (یکی از شهرهای مازندران) بود، امروز سبقت ارتکاب به اعمال غیرانسانی و زشت، جرات وارد شدن به شهر را ندارد. این آخوند در گذشته با تعدادی از اطرافیان خود، جوانان شهر را به بهانه‌های مختلف سرکوب می‌کرد. یکی را بخاطر لباس شیک پوشیدن، دیگری را بخاطر لباس تمیز پوشیدن، یکی بخاطر هواداری از گروه‌های سیاسی و اینکه سابقه زندانی داشتن، دستگیر و توسط چند نفر حزب الهی با زنجیر، شلاق و پنجه بکس کتک می‌زد، او در واقع در شهر گلوگاه تا ما را اختیار شهربود و دامنه سرکوب او تا به شهر هم ادامه داشت. او پس از پیوستن جوانان به جبهه‌های جنگ تبلیغ بسیجیان می‌کرد و بسیاری از جوانان که او به جبهه جنگ فرستاده بود، کشته شده‌اند. این آخوند جانی بطسور مرتب به به شهر رفت و آمد می‌کرد و تعدادی از حزب -

قطعه نامه پارلمان لوکزامبورگ

دعوت مجاهدین خلق ایران در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۷۲ قطعه نامه پارلمان لوکزامبورگ که در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۷۲ به اتفاق آراء، در پارلمان این کشور به تصویب رسید. راه اطلاع عموم رساننده متن قطعه نامه به قرار است: در توافق با قطعنامه‌های پارلمان اروپا، منجمله آخرین آن، قطعه نامه مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲، با توجه به اقدامات نقض حقوق بشری وسیله رژیم ایران - همانطور که عفویین الملل و ارگانهای ملل متحد اطلاع داده‌اند، که با اعمال محدودیتها و سرکوب در مورد مخالفین و کسانی که خواستار حداقل حیثیت هستند، مانند زنان ایرانی، صورت می‌گیرد،

با توجه به تظاهرات ضدولتی در ایران، علیرغم سرکوب شدید، از دولت می‌خواهد از هرگونه اقدام سیاسی که بتوان آن را بعنوان حمایت مستقیم یا غیر مستقیم از رژیم ایران تلقی نمود، اجتناب کند، با مقاومت ایران که در تمامیت آن در شورای ملی مقاومت ایران که برای آزادی و دموکراسی در ایران مبارزه می‌کند به رسمیت شناخته می‌شود، همان برقرار کرده و باب گفتگو را باز کند.

هرگونه صادرات نظامی به ایران و ویژه هرگونه صادراتی که امکان دستیابی به سلاحهای شیمیایی و هسته‌ای را - که از جانب سازمانهای متددبین - المللی برملا گردیده - برای رژیم ایران فراهم میکند، با کثرت خنثی‌گری بررسی کرده و ممنوع نماید، به ابتکار خود در کلیه سبادهای بین المللی، برای آنکه با هرگونه اقدام رژیم ایران که باعث تشنج در خاور میانه می‌شود شدت مقاله شود برای تخمین دموکراسی و تمامی حقوق بشر در ایران، دست به فعالیت بزند.

مباحثه با رئیس "ک.ک.ب"

از صفحه ۸

این آسانی اعتراف نمود، یکی از آن افرادی که اتحاد جماهیر شوروی را ایران نمود گورباچف بسود. جلسات زیادی را با او داشته و چندین آمار و رقم را در پیش روی او نهادم ولی تنها او به زهر خندی زشت اکتفا نمود. به این دلیل بود که تصمیم گرفتیم مسائل را با کنگره نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی در جلسه‌ای سری در میان بگذاریم. اشتباه من در اینجا بود که با جلسه سری موافقت کردم. باید حقایق را برای مردم مطرح می‌کردیم.

س: شکست کودتار چگونه توجیه می‌نمائید؟

کریتیف: ناراحت کننده است برای من که این چیزها را بشنوم چونکه ما زبانی نبرده‌ایم و زبان به همه مردم اتحاد جماهیر شوروی سابق وارد کرده‌است. چون مادران موقع ارزیابی درستی از اوضاع داخلی خودمان نداشته‌اند. مادر مجموع در رهبری شوروی و حسیب کمونیست یک خاش وجود داشت که خاشین دیگر او را احاطه کرده بودند. این وضعیت ویژه‌ای را بوجود آورده بود که تصمیمهای ویژه‌ای را طلب می‌کرد. من سوال می‌کنم که آیا مردم به آن درک رسیده بودند که بتوانند با تازدی آینده روبرو گردند "طبعانه".

الهی‌های به شهر را برای سرکوب مردم به گلوگاه می‌برد. برادر زن این آخوند فاسد، در جبهه‌های جنگ کشته شده و آخوند زاهدی با نامزد برادر زن خود رابطه نامشروع برقرار می‌کند و پس از مدتی که سردم متوجه امر می‌شوند او نامرد برادر زن خود را به عقد خود در آورده و به شهر قم رفته و مشغول شهادی در قم می‌شود. آخوند زاهدی توسط اقوام زن اولش که برای تنبیه او به قم می‌روند، کتک مفضل می‌خورد. باروشدن شهادی‌های این آخوند جنایتکار، تعدادی از پاسدازان و بسیجی‌های شهر از سپاه و کمیته‌های انتظامی استعفا می‌دهند و به مردم می‌گویند که کاروکاسی شرافتمندانه بسیار بهتر از جنگ کار کردن در جایی که اینگونه آخوندها را پرورش می‌دهد می‌باشد.

به دعوت کنگره آمریکا، جلسه سخنرانی و ضیافت تام

به افتخار مسئول کمیسیون خارجی شورای ملی

مقاومت ایران برگزار شد.

از ساعت ۹ بعد از ظهر روز چهارشنبه اول اردیبهشت ۷۲ در محل کنگره آمریکا، یک جلسه سخنرانی و ضیافت تام به افتخار آقای محمد سیدالمحدثین مسئول کمیسیون خارجی شورای ملی مقاومت ایران برگزار شد. این جلسه به دعوت رئیسی کمیسیون دفاع کنگره، رئیس فراهسیون جمهوری خواهان در سوک کمیسیون آفریقا، یک عضو کمیسیون خاور میانه برگزار شده بود و بیش از ۲۰۰ نفر از نمایندگان و سنا توره‌های آمریکا، مشاورین آنها و گروهی از مقامات این کشور، شخصیت‌های سیاسی و متخصصان برجسته آمریکایی و سفیران و نمایندگان دیپلماتیک کشورهای مختلف مقیم واشنگتن و گروه زیادی از خبرنگاران رسانه‌های مختلف آمریکایی در این جلسه شرکت داشتند. در این جلسه آقای محمد سیدالمحدثین در رابطه با شرایط کنونی جنبش مقاومت ایران و سیاستهای سرکوبگرانه و تروریستی رژیم خمینی سخنرانی نمود. همچنین آقای رابرت توربیلی نماینده دموکرات از ایالت نیوجرسی، دن برتون نماینده جمهوریخواه، چارلز تیلور نماینده جمهوریخواه و تعداد دیگری از نمایندگان کنگره سخنرانی نمودند. کلیه سخنرانان ضمن محکوم نمودن رژیم آخوندها، حمایت قاطع خود را از مقاومت ایسران ایران داشتند.

سلمان رشدی

خبرگزاری رویتر در تاریخ ۱۶ اردیبهشت امسال اعلام نمود که: "به سلمان رشدی نویسنده بریتانیایی توسط یک هیئت ژوری از نویسندگان سوئیسی و فرانسوی جایزه ادبی ۲۵ هزار لاری پریکس گولت اهداء شد. ترتیب دهندگان نمایشگاه کتاب ژنو، گفتند رشدی را بخاطر ایستادگی اش در مقابل ناشکیبایی و تبعیض برگزیده‌اند." همچنین رادیو کولن در تاریخ ۱۷ اردیبهشت گفت که انجمن نویسندگان آلمان بسیار دیگر حمایت خود را از سلمان رشدی اعلام داشت.

رادیو فرانسه ۲۴ اردیبهشت: جان میجر نخست وزیر انگلیس پس از ملاقات با سلمان رشدی با ابراز تاسف از عدم لغو این فتوا اظهار داشت که چنین رفتاری به دین بزرگ اسلام خدمتی نمی‌کند. "۰۰۰"

اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت

مردم ایران نمایش انتخاباتی رژیم نامشروع خمینی را تحریم می کنند

هم اکنون بر حسب ضوابط خودرژیم ۲۲ میلیون ایرانی دارای حق رای هستند. باید دید آخوندها و دجسال بچگان این بار چه رقم نقلی از میران شرکت کنندگان ارائه خواهند داد! بگذریم که خمینی گفت اگر همه ملت هم حرفی را بزنند ولی فقیه موافق نباشد، آن حرف و آن رای به پیشیزی نمی آرزود...

به نام مردم ایران، از سوی شورای ملی مقاومت ایران که برای استقرار صلح و آزادی و حاکمیت مردمی در تلاش برای سرنگونی کامل و تمام عیار رژیم ضد بشری خمینی است، اعلام می کنم:

۱ - رژیم خمینی و نمایش های انتخاباتی از نظر مردم ایران فاقد هرگونه مشروعیت و اعتبار قانونی است.

۲ - این رژیم تنها به ضرب شلاق و شکنجه و سرکوب و ترور و حلق آویز و تیرباران حکومت می کند و اساسی ترین حق مردم ایران را که حق حاکمیت ملی و مردمی است غصب کرده و از این رودشمن اصلی ایران و ایرانی است. دجالگریهای انتخاباتی این رژیم صرفاً به منظور توجیه غصب همین حق اساسی مردم ایران انجام می شود.

۳ - تمام وعده های بهبود و بازسازی و اعتدال و میانه روی در این رژیم توهم و دروغ محض است. افسی کسوت نمی زاید و آخوند دژحیم خمینی مفت را بسا دموکراسی و انتخابات برای مردم سازگاری نیست.

۴ - دیکتاتوری آخوندی و تروریستی - به شهادت مردم به پا خاسته ایران در شهرها و مناطق مختلف و هفتصد حرکت اعتراضات در سال ۷۱ - مورد انزجار عموم مردم ایران است. مردمی که با تظاهرات و حرکت های فیراً میز خود سرگویی بلا درنگ این رژیم و جایگزینی شورای ملی مقاومت ایران را طلب می کنند.

۵ - از این روز مردم ایران سی اعتنا به همه تهدیدات و تمهیدات سرکوبگرانه حکومت آخوندی، خیمه شب بازی انتخاباتی راه طوریکه چاره تحریم می کنند و یک بار دیگر نفرت و انزجار و خشم مقدس خود را علیه دشمن ضد بشری به اثبات می رسانند.

روز سرنگونی حکومت پلید آخوندی به دست ارتش آزادیبخش ملی و باحمایت همه مردم ایران قطعاً فرا خواهد رسید.

مسعود رجوی

مسئول شورای ملی مقاومت ملی ایران
۱۳/اردیبهشت/۱۳۷۲

یاورقی:

۱- کیهان ۱۳/۲/۷۲ نماینده مجلس رژیم از تبریز
۲- کیهان ۱۳/۲/۷۲ نماینده مجلس رژیم از صومعه سرا

عمومی جهان باستی بیش از پیش به مبارزه برحسب مردم ایران و مردم تحت ستم کردستان ایران جلب کرد.

طرفین در این دیدار پاسخگویی در برابر کلیشه اقدامات سرکوبگرانه و تروریستی حکومت آخوندی را حق مسلم مقاومت ایران، حزب دموکرات، مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی شناخته و پیروزی مردم ایران بر رژیم جنایتکار را قطعی و محتوم خواندند.

از ماندگان خمینی دیگر بار برای نفاق، حکومت نامشروعشان به نمایش مسخره "انتخابات ریاست جمهوری" نیاز پیدا کرده اند. رژیم که ولایت مطلقه و خودکامه آخوندی موسوم به فقیه را اساس حکومت قرارداد و هیچ قاعده و قانونی جز سرکوب و قهر و عریسان نمی شناسد، هزار گاهی برای بزرگ کردن چهره کریسه و منحوس خود به چنین شعله بازسازی متوسل می شود، منتها این بار برگزاری نمایش انتخابات راه خاطر کثرت بحرانها و مسائل داخلی، جلوانداخته است.

سه روز پیش یکی از نمایندگان مجلس ارتجاع با اشاره به "انتخابات ریاست جمهوری" تاکید نمود که "غفلت از این امر مهم ایران اسلامی یعنی رژیم خمینی) را در توفان همه جانبه ۶۰۰ قرار خواهد داد" (۱) یک نماینده دیگر مجلس ارتجاع گفت: "افزایش ۱۰ الی ۲۰ برابر قیمتها و اعتبار برای مردم غیر منتظره و غیر قابل قبول بود" (۲)

همه ناظران در داخل و خارج ایران می دانند که در حکومت آخوندی بیکاری پیدا می کند و بیش از ۶۰٪ جمعیت فعال کشور را در کام خود کشیده و در معرض تباهی و نابودی قرار داده است. ولی فقیه و آیت الله یک شبه - خامنه ای - در سخنان امروز خود گفت: "اگر غرب و آمریکا و دشمنان ما و مجاهدین و دیگران بتوانند کارخانه های ما را از کار ببندارند، فربه حسابی زده اند". راستی که وخامت اوضاع به حدی رسیده است که سردمداران دیکتاتوری آخوندی - تروریستی، خود را به هزار زبان، ناگزیر از اعتراضات بی جهت نیست که از فرط بیچارگی تنها چاره را در سپردن امنیت به سپاه پاسداران ضد مردمی یعنی تشدید سرکوب و خفقان یافته اند.

سال گذشته در نمایش انتخاباتی مربوط به مجلس ارتجاع، به گفته خودشان، یکصد و پنجاه هزار تن از سپاه پاسداران و نیروی انتظامی و ارتش تحت امر را بسا نگرانی از صندوقها و حوزه های رای گیری گماشتند. با این همه در دور اول حدود ۱۵٪ و در دور دوم تنها ۸٪ از دارندگان حق رای - البته با تهدید و تطمیع - در انتخابات کذابی شرکت نمودند. چهار سال پیش در نخستین دور ریاست رفسنجانی نیز زعمای رژیم ناگزیر اذعان کردند که حدود نیمی از دارندگان حق رای به خاطر "روز تعطیل" و "برداشت محصول" در نمایش انتخاباتی شرکت نکردند.

بر طبق عدده و رقمهای سالنامه های آماری رسمی، جمعیت کشور در سال ۷۱ مرز ۶۰ میلیون را در نوردهیده

و انقلابی توصیف کرد و افزود در این زمینه باستانی همیاری و همکاری کامل بین همه معتقدان به سرنگونی رژیم آخوندی و خواستاران استقرار یک سیستم دموکراتیک برقرار گردد تا مردم کردستان ایران نیز به حقوق دموکراتیک خود دست یابند.

دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران با تحمیل پیشرفت های مقاومت ایران در زمینه های نظامی و سیاسی و دیپلماتیک خاطر نشان نمود که توجه دولت و افکار

دیدار دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران رهبری انقلابی با مسئول شورای ملی مقاومت ایران

دراول اردیبهشت امسال آقای جلیل گادانی دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی با مسئول شورای ملی مقاومت ایران آقای مسعود رجوی دیدار و گفتگو نمود. نتیجه مجاهد در شماره ۲۹۶ خود گزارشی از این دیدار منتشر نموده که متن کامل آن برای اطلاع خوانندگان نبرد خلق چاپ می شود.

چهارشنبه شب اول اردیبهشت ماه دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی - کساک جلیل گادانی همراه با کاک فتاح کاویان عضو دفتر سیاسی و کاک حسین مدنی و کاک سرنگد ایرج قادری اعضای کمیته مرکزی حزب، با مسئول شورای ملی مقاومت و فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی ایسران و چندتن از اعضای هیات اجرایی سازمان مجاهدین خلق ایران دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار پیرامون اوضاع داخلی و بین المللی و هم چنین اوضاع منطقه تبادل نظریه عمل آمد و بر روابط دوستی و برادری میان حزب دموکرات کردستان ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران در راستای سرنگونی دیکتاتوری تروریستی و آخوندی حاکم بر مین اسپرمان تاکید گردید.

مسئول شورای ملی مقاومت ایران برادر مجاهد مسعود رجوی یکبار دیگر تهاجمات و بوطنه های تروریستی دشمن ضد بشری علیه هموطنان کرد ایرانی در منطقه مرزی را محکوم نمود و با تانکد بر حق عادلانه خود بخاری مردم کردستان ایران و طرح مصوب شورای ملی مقاومت ایران در این رابطه افزود که بی تردید احقاق حقوق دموکراتیک تمام مردم ایران منجمله مردم کردستان ایران در گروسرنگونی بقایای رژیم خمینی و پیروزی مقاومت سراسری مردم ایران است که بی گمان با اتکا به ارتش آزادیبخش ملی و سمناسا بر خورداری از حمایت همه مردم ایران اعم از ترک و کرد و فارس عملی خواهد گردید.

مسئول شورای ملی مقاومت ایران و فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی با اشاره به پیشرفت های همه جانبه مقاومت ایران از لحاظ داخلی و بین المللی و ارتقا، سیاسی و نظامی این مقاومت افزود آخوندهای پلید حاکم بر مین اسپرمان و پسین مراحل حیات خود را می گذرانند و دور نیست روزی که همه مردم ایسران اعم از کرد و فارس با احقاق حقوق حقه خود جشن پیروزی را برپا نموده و دست در دست یکدیگر به سازندگی ایران آزاد بپردازند. از اینرو آخوندهای سفاک و خون آشام باستی مطمئن باشند که حساب خونریزیهای حساب و تهاجمات تروریستی و گلوله باران هموطنان کردمان در منطقه مرزی را قطعاً پس خواهند داد. دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی کاک جلیل گادانی ضمن رد و محکوم نمودن هر نوع سازش و سیاستهای مذاکره جوینه با رژیم خمینی بر ضرورت تشدید مبارزه مسلحانه تا سرنگونی این رژیم جنایتکار به عنوان تنها خط مشی انقلابی تاکید نمود و آن را وظیفه میرم همه نیروهای مین پست، ملی



اسرائیل در تقابل با "خطر سبز"

"جهد حماس"

توضیح:

جنبش اسلامی حماس، از سازمانهای بنیادگرا در خاور میانه است که مخالف سرسخت پروژه صلح و مخالف صاف است. روزنامه لوموند در شماره‌های ۲۸ و ۲۹ آوریل ۹۳، مقاله‌ای به قلم "پاتریس کلود" در مورد "حماس" چاپ نموده است. متن تقریباً کامل این مقالات برای اطلاع خوانندگان نبرد خلق چاپ می‌شود.

لوموند - ۲۸ و ۲۹ آوریل ۹۳

نویسنده: پاتریس کلود

مترجم: ه. ر.

آنها جوان، جسور، بی رحم و فوق العاده با انگیزه‌اند. توسط سازمانی رومی رشد، که شعب خود را تقریباً در تمام دنیای مسلمان و حتی در ایالات متحده گسترش می‌دهد حمایت می‌شوند و به وسیله سخنرانان آموزش دیده‌ای در بهترین مکتب‌های قرآنی مصر و سایر نقاط به شور و شوق در آورده می‌شوند، آنها تشنه مبارزه و افتخارند، آنها هر گونه اندیشه مصالحه با "دشمن صهیونیست" را از خاطر و روح خود زوده‌اند. برای آنها اسرائیلی وجود ندارد، کشوری یهود در "سرزمین عربی فلسطین" چیز کاملاً بی‌معنایی است. اسرائیل بدون چون و چرا ویران خواهد شد. مرگ بر روند صلح اعراب اسرائیل بر سر "زمین مقدس" "جانسه نمی‌زند" با "ناشروع" گفتگو و معامله نمی‌کنند. آنها در چند ماه باقرانی حمایت و کاردی در کمر بند، بضر فمه و اسلحه کمربندی، بضر مسلسل و نارنجک اولین جارا برای خود در معبد مردمی رزمندگان فلسطینی دست و پا نموده‌اند. در چند ماه شعبار "الله اکبر" که بصورت فریاد جنگ در آمده، بذرترس در دل مردمان اسرائیل کاشته و موجب تحسین عمومی تقریباً دویست میلیون عرب که به سرزمینهای اشغالی می‌آیند گردیده است.

رقیب سازمان آزادیبخش فلسطین

آنها کمین‌گذارهای مرگ‌باری نموده، سرسازان و احدها و پلیس، این "موجودات" آنهمه نفرت‌بار را در قلب سرزمینهای ملی می‌کشند. پانزده کشته

یهودی در ماه مارس، رکوردی از آغاز قیام مردم فلسطین، در سامر ۱۹۸۲، غالباً موقعیکه یک فلسطینی کم سن و سال، نامید و متمصب کاردی به پشت یک غیرنظامی در تل آویو، با بیت المقدس فرو می‌کند، خود را از آنها می‌داند، آنها با دستورویایی دستور اقدام نموده و همانها بنام جهاد، عمل دیوانه‌وار شورشی مربوطه را عهده‌دار می‌شوند.

در کمپ‌های فوق العاده تحریک‌دهنده غزه و سایر نقاط آنها کنترل محلات کاملی را بدست گرفته‌اند، همانند اربابها رفتار نموده و همچون ماهی در آب بوده و منظم قدرت نمایی می‌کنند. برای حفظ شعله شورش، و بصورتی ترسناک، بعضی اوقات در کوچه‌های قدیمی و گردوغبار گرفته با خواندن سرودهایی به افتخار الله و فلسطین جاودانی رژه می‌روند. رژه‌های کوتاه و چشمگیر چنددهه تایی جوان کم سن و سال، با حرکاتی تند و ظریف و ساز و برگ می‌مانند جنگجویان که در فیلم‌های سری ب دیده می‌شوند، با نقاب و ماسک‌هایی سیاه رنگ و مسلح تابه ندان.

گروه‌های نوجوان بالباسهای مندرس کنسرت کلاسیک و پلاستیکی مدتهاست جای کلت‌های کابویی و شلوار کوتاه غربی را گرفته است، مجری قانون هستند. آنها کسانی را که مظنون به همکاری با اشغالگران هستند برای تنبیه فوراً می‌کشند و منظم اجتماعی را برقرار می‌سازند. دیگر هیچ زنی در نسوار غزه که اهل قرای شماره یک آنان است جرات بیرون آمدن بدون حجاب، و پاندر محلی را ندارد، حتی نادر زبان مسیحی این سرزمین در موقع بیرون آمدن از منزل برای خرید سرهایشان را می‌پوشانند.

با گوشه‌کنایی و حرزهای نامنتظر و مجروح کننده و بعد از اقدامهای وحشیانه در ملا، عام، مواد مخدر، اعتیاد به الکل، جرم‌های جنسی و دزدیهای کوچک و غیره بکلی رخت برشته و محو گردیده‌اند. بهمین صورت لذت‌های دنیوی نادر نیز از این سرزمین فراموش شده از جانب خداوند تبارک و تعالی محو گردیده‌اند. دیگر نه سینمایی وجود دارد و نه نارتی، تنها فعالیت‌های ورزشی از نواچازه یافته و یاب گردیده‌اند. در پیستی گندها و منازها اکیبهای فوتبال و کاراته شکوفا می‌گردند. به یمن پولهای رسیده از تهران و عربستان سعودی و امارات خلیج، از سرتاپا بالباس نومسندل ملیس گردیده‌اند.

در عرض چندماه با ترتیب دادن یکچند عملیات چشمگیر و بی دربی به گفته کلیه مطلعین، کماندوهای عزالدین القسام (نام شیخ ناسیونالیستی که در سالهای ۱۹۲۰ مفقود گردید) به جنبش مقاومت اسلامی ملحق گردیدند که بیشتر تحت نام عربی حماس شناخته شده و مقام اول در مبارزه مسلحانه علیه "اشغال" یهود" رایافته است. هیچکس، حتی روحی لایک هم در این سرزمینها، جرات اینکه بصورت روبرو و مشهودی از روش آنها انتقاد بعمل آورد وجود ندارد. تابستان گذشته با سرعفات آنها را با "خائنین زولو" مقایسه نمود، با کسانی که در افریقای جنوبی با ا-ان-سی مقابله می‌کنند، و در حال حاضر باروسای خارجی آنها را معامله و مذاکره می‌نمایند.

حماس و جنگجویانش که پنجسال پیش ناشناخته بودند و تازه ماه پیش هم هنوز ناچیز شمرده می‌شدند، با چهار صد "تبعیدی" و اخراجیشان از اسرائیل در ماه

دسامر گذشته از جنوب لبنان بصورتی در آمده کسه حساب آوردنشان الزامی شده است. در مقابل رونسند ملجی که بیش از هر موقع بی ثبات جلوه می‌کنند و در حالیکه سیاست اسرائیل با اعمال حداکثر اختیارات و حداقل امتیاز بدون بگرانی از آینده همراه است و در مقابل اشتباهات تاکتیکی و خامت بارو غالترازیسک سازمان آزادیبخش فلسطین که پر از تفرقه و متشکک از نخیکان غالباً فاسد بریده از ملت که مواجها از دست دادن قسمت اعظم منابع مالی سنتی اش (کویت و خصوصاً عربستان سعودی) است، حماس، امسروزه در داخل سرزمینها، در موضع رقابت است.

همانند صاف، حماس هم "سارتهای" خود را در خارج (اردن، سودان، لبنان، ایران و...) دارد. با پایگاهها و نفراش در کشورهای ثروتمند خلیج، با همدستهایش با جنبشهای اخوان المسلمین در مصر، الجزیره، پاکستان، افغانستان و تماشایش با ابر قدرتها (ایالات متحده، انگلیس، فرانسه و آلمان) و اتحادهایش با جبههها "امتناع": حزب الله لبنان، جهاد اسلامی، جبهه آزادیبخش ملی فلسطین، فرماندهی کل احمد چریل) و غیره. این مساله پنهان نمانده کسه در سودان اسلامی هم دهها کوماندوی عزالدین القسام در حال آموزش و فراگیری کاربرد سلاح و مواد منفجره‌اند. هیچکس نمی‌داند چه موقعی آنها در "بازار فلسطین" ظاهر خواهند شد، بهر صورت همه از ورود آنها بیخبر دارند.

"از قلب‌ها خون می‌چکد"

حماس بهتر از صاف در رابطه با پند خواننده‌های عرب توانسته خود مختاری کاملتری بدست آورد و سه مؤکمن خود ایدئولوژی کاملی توانسته ارائه نماید. این ایدئولوژی شامل کشور فلسطینی بجای اسرائیل، تقوای جدید برای مبارزه و ضمانت بهت مسلمانان برای کلیه ارواح گمشده‌ای که در عین حال از معتقدین روی گرداند است. همانطوری که او برای بهترس تحلیل گرا اسرائیلی مسائل عرب می‌گوید: "از آن سوخ برنامه‌هایی که می‌تواند برای فلسطینی‌های جوان، گیر افتاده بین مضمیقه مالی و نامیدی سیاسی" غیر قابل مقاومت گردد. سرزمینها ملغور این نوع جوانانند. "شش سال بعد از قیام مردم فلسطین، بقول محمد بازونی که در غزه داروخانه‌چی است و قبلاً بهمراه شیخ یاسین، بنیانگذار حماس که محکوم به حبس ابد گردیده بوده "قلب‌ها خوسار است و دست‌ها خالی" این مرد که ارباب اصلی ترین اتحادیه نیکوکاری سرزمین باقیمانده، اضافه می‌کند که فلسطینی‌ها، مجمع اسلامی، پدر جدمردمی و مذهبی حماس! همه آنها: مارکسیسم، سوسیالیسم و حتی لیبرالیسم را بکار گرفته‌اند و لیکن هیچکدام از آنها موفقیتی بدست نیاوردند. این بود که ما کشف کردیم که قبل از همه چیز ما مسلمان هستیم." "مدبار، هزار بار، نوشتجات روی دیوارهای غزه یک ترجیح بند را تکرار می‌کنند: "اسلام جواب می‌باشد"

سام صالحی یکی از رهبران حزب سابق کمونیست رام الله می‌گوید "تحت تاثیر" شهادت اصول‌گرایان قرار گرفته، این رزمنده سه هفته است که بعد از سه سال زندانی بودن بجرم تعلق داشتن به رهبری متحد انتفاضه از زندان اسرائیل رها گردیده، او در حال حاضر



نویسنده و عضو ساف بوده و به تلخی می‌گوید کسه " زمین وزمینی که قبلا متعلق به ما بود و رهاسش نموده بودیم را اینها اشغال نموده‌اند " مسارزه مسلحانه " ، " همه فلسطین برای فلسطینی هسا " ، ممنوعیت علی‌البد شناسایی اسرائیل " ، ساف برای همه گیرنمودن این شعارها سالها وقت گذاشت ، و بعد هم شمارهایش تنبیر نمودند " امروزه پیام مالحسیی تاسف می‌خورد ، بسیاری از کادها سوروکرتاهیسیی شده‌اند که شغل خود را تهیه دیده ، وقت خسودرا در هتلهای پنج ستاره ، هواپیماها و کمیته‌های متخصصین برای آماده سازی خود مختاری موقتی که اسرائیل وعده می‌دهد سپری می‌کنند " صریح‌تر اینکه سازمان آزادیبخش فلسطین گویا بورژوا شده است " مسا نتوانستیم تحول خود را به حماس شرح کنیم " شاید دیر شده باشد زمانی که ساف " تنها نماینده خلق فلسطین بود " برآمده است .

بادر نظر گرفتن انتخابات اخیر در دانشگاهها ، اطاقهای بازگانی و کلیه سازمانهای حرفه‌های فلسطینی ، در حال حاضر حماس در مجموع سرزمینها ارحمایتی که بین ۲۵ تا ۴۰ درصد تخمین زده می‌شود ، بر خود دار است به عبارتی ارحمایتی قابل مقایسه با سطح ، اصلترین شکل به رهبری عرفات و همیستین و اجدها هستند ، که بیشتر از اجدهای " سالمند " مستقر در یوس ، سبب فراهم آوردن مقاله‌هایی با تعینسوان سرورسم در رسانه‌های اسرائیل می‌شوند .

اد ارحمیتانک به ناتوانی وانگهی ، تعداد این کماندوهای اسرار آ میسر ، " سرایان الله " که شیخ وار برگرداگردا اسرائیل در چه خندند چقدر است ؟ یکمده یا کم و بیش دویست نسا در کین سرزمینها ؟ متخصصی نظامی ثرورستی می‌گوید که اکثریت آنها در غزه می‌باشند ، دخول نفوذ سه شنه‌های آنها فوق العاده مشکل است . مثل اینکه آنها باحس ششمی ، مامور نفوذی را استشمام می‌کنند . اجتناع اسرار آ میز و دهشتناک گروههای مردانی که بناتند " مجریان عدالت خداوندی " زندگی نموده و ماموریت دارند فلسطین را از " فرزندان میمونها و خوکهایی " که آنرا در اشغال دارند پاک سازی نمایند . کماندوهای عزالدین القسام به گفته رئیس اطلاعات نظامی اسرائیل ، ژنرال یوری سوکی به سیک فرمندی واحد رضایت نمی‌دهند . او اخیرا سه روزنامه‌های محلی گفته بود که " حماس سازمانی بسا سلسله مراتب نیست ، حماس سو ظن‌های زیادی دارد ، و بهمین مناسبت یاد گرفته فعالیتهای خود را مجسزا و سرپوشیده نگاهدارد . برای رزمندگان اسرائیلیک سرزمینها به ۴ یا ۵ جهت منطقه‌ای تقسیم شده‌اند ، که هر یک دستوراتی به سلولهای کوچکتر می‌دهند ، واحدهایی که عملیات را انجام می‌دهند ، بدون هرگونه اطلاعاتی از کارهای دیگرانند ، ضمن اینکه موقعیت و سرزمینها را بهتر از اسرائیلی‌هایمانند " اقرار و حشنتانگی از ناتوانی است ، حماس همزونی ساف را تهدید می‌نماید و کارسویسهای اسرائیلی راهسبم مشکل می‌کند ، مضافا بعضی مثل موسی بازروک ، بخش سیاسی و شهروند امریکایی ، در محل هیچ چیسیزی از عملیات نمی‌دانند . ژنرال ساگوی می‌گوید ، که او تنها

اشغال به امور مالی دارد و نه چیز دیگر .

قسمت دوم

حماس منابع مالی مختلفی دارد ، هس " بانکدار " خارجی نمی‌تواند ادعای کنترل جنبش مقاومت اسلامی حماس را بنماید ، به گفته راهواری ، متخصص امور عرب تهران هم که " در ۱۹۹۳ ، ۳۰ میلیون دلار کمک به آنها اعطانموده " بیش از دیگران در جریان نمی‌باشد . زیرانهادهای اسلامی عربستان سعودی و امارات نیز کم و بیش بادت دلزایی به آنها دلار می‌دهند .

حتی رهبران کویت در جنگ خلیج سکوت شیخ‌های حماس را بدست آوردند ، موقتیکه ساف برای مصادم موضع می‌گرفت ، بر روی سبل کمکهای " خصوصی " که بسوی مساجد غزه سرازیر شده بود چشم فرو می‌بست . با لآخره کمونته‌های یهودی ایالات متحده و اروپا هستند که غالبا دارای منازل یا موسساتی تجاری در سرزمینهای اشغالی بوده و بجهت هواداری و یا بجهت در صلح و راحتی زندگی کردن منظم به " ریشوها " پول می‌دهند .

به همه اینها پولهایی که هر جمعه از ۲۰۰ یا ۸۰۰ مسجد واقع در سرزمینها جمع آوری می‌گردند اضافه می‌شود ، فلسطینیهای داخل قفبرند ، و بهمین علت دست ودل باز . شیخ نظیر القاح یکی از عاظم مردمی نامیهاات به ما گفت که " در یک روز جمعه عیسادی انکات جمع آوری حول ۴۰۰۰ شکل " می‌باشند . تقریبا ۸۰۰۰ فرانک ، البته شیخ القاح در ممر آ آموزش دیده و مانند بسیاری از فلسطینی‌ها بعد از قتل انور السادات در ۱۹۸۱ امر اخراج شد ، و در راه یکی از بزرگترین و مدرنترین مساجد سرزمینها است : ساخمانی با سه طبقه سنگ سفید که از فروشنده‌های یهودی ، داشکلپون خریداری شده ، آنها در کشاکش شورش مردم فلسطین .

مسجد بلال تل سلطان ، در کمپ پناهنگان ، ظرفیت پذیرایی ۶ هزار نفر را شرا دارد ، وقتی دانسته شود که حماس کنترل اکثر دویست و چند محل نیاش غسزه و بخشی از منازله‌های ساحل رود اردن را در اختیار دارد ، آنوقت مقدار پول جمع آوری شده را میتوان تصور نمود . زاید ابوعمار مدرس دانشگاه برزیت و نویسنده کتابی در مورد فرانسی به اخوان المسلمین می‌گوید آنها بقدری ثروتمندند که باز هفته گذشته " بلینسلوک دانشجویان اسلامی " دانشکده - که قبل پراچ ترین محل ناسیونالیسم لائیک بود - در مقابل اجازه بدست گیری اداره رستوران " پو " و خوابگاه دختران بجهت خلاص نمودن برزیت از فاجعه مالی ۳۵۰۰۰۰ فرانسلک پرداخت نمود .

نیکوکاری‌ها

دانشگاههای اسلامی (غزه ، هیرون) ، دانشکده‌ها و کالج‌های فنی عادی ، اطاقهای بازگانی - کسسه ثروتمندترینشان در هیرون و رام الله می‌باشند . بیمارستانها ، اتحادیه‌های حرفه‌ای ، سندیکاهای کارگری که پیشرفته‌ترین آنها ، سندیکای کارمندان فلسطین است ، آژانس سازمان ملل متحد که کمک به پناهنگان را عهده‌دار است ، باشگاههای ورزشی ، درمانگاهها ، موسسه‌های نیکوکاری ، و . . . جریان اسلامی در سرزمینها برای یافتن تازه‌های وقت صرف نموده و در حال اخراج ساف از پایگاهها و برج و باروهای سنتی اش می‌باشد . مرکزیت بادر نظر گرفتن موقعیت و حوادث

سخنانش را کمی اسلامی نموده و سعی نموده اتحادیه - های نیکوکاریش را در شهر غزه دایر نماید تا با این ترتیب بتواند بخشی از جریان مالی راگانلیزه نماید . زساختش اعظمی از کمیته اداره زکوه (۲/۵ % دارائشهای نقدی) هم به زبیر تیغ اصولگرایان در آمده است . این کمیته‌های نیکوکاری پول زیادی بدست می‌آورد . " تنها در سال گذشته به گفته رئیس این کمیته یک میلیون دلار بجهت بی بضاعت‌های سه کارهای نیکوکاری اختصاص داده شده " و اسلامی‌های جدید ، برخلاف دیگران ، شهرت درستکاری در هر کار و آزمایشی را دارند .

انضباط و سازماندهی ، خصایص اولیه مورد قبولی برای کلیه رقبای آنها جهت " سرایان اسلام " (۱) ، با کماندوهای القسام است . آنها قادر به حرکت در آمدن ، بدور نگاهداشتن خود از اندیشه‌ها و همکاری کنندگان بادشمن بوده و به گفته متخصص ضد تروریستی " همچنین میتوانند روحشان را به الله سپرده و برای آرمانشان جان دهند " . روی دوارهای مساجد ، از کشیف ترین تاشیک تریس آنها ، فراخوانهای به مبارزه و عکس‌های " شهدا " و جانسازان با کفیه که بخاطر آرمانشان و ساف عزالدین القسام کشته شده‌اند وجود دارد که بطور مشهودی بیشتر از عکسها و فراخوانهای دیگران است .

مسئول اطلاعات نظامی به ما گفت " گرچه فتح با سر عرفات عملیات زیادی علیه ماصورت می‌دهد و لیکس حملاتش کمتر چشمگیر ، کمتر کاری و بنابراین کسب کشتار ترید " . و ژنرال ساقی اضافه می‌نماید : " گروههای القسام با حملات شدید ، سلاح‌های آتشین ، و سایر جسمی و ساقوت ، عزم گرفتن بیشترین قربانی را دارند . " خطری که بیشتر از اندازه ارزیابی گردیده ؟

ژان فرانسوا گولرن یکی از بهترین متخصصین غربی مبارزه فلسطینی‌ها این چنین بر آ و رد می‌نماید که موثر بودن مردمی بودن آنها " قابل مقایسه با موثر بودن مردمی بودن جهاد اسلامی در سالهای ۱۹۸۷-۱۹۸۶ است " . امروزه جهاد اسلامی به چهار پانچ جناح مشخص تقسیم شده ، و جهادگر نتوانسته از موجهای بزرگ اختناق اسرائیلی‌ها که رهبرانش را اخراج ، جنگجویانش را کشته و باز ندادنی کردند خود ابر هاند . حتی اگر گروههای جهاد هنوز بعضی اوقنات عملیاتی چشمگیر در اینجا و آنجا انجام می‌دهند بمانند برگ ساده ایران یا سوریه در بازی پیچیده سرزمینهای اشغالی در نظر گرفته شده و تقریبا از سال ۱۹۸۸ از صحنه محو گردیده‌اند ، یکی از محققین مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه که در اردن مستقر است ، تفاوت بسزرگ و فاحش اینها با شبکهای القسام را گرچه هر دو از اخوان المسلمین تاثیر پذیرفته‌اند در این می‌داند که گروههای القسام " تکیه بر یک سازمان سیاسی واقعی و جنبش اطمینان بخش مردمی دارند " سابق بر این موشه‌دایان می‌گفت آنها موقتی که دعا و نماز می‌خوانند سیاسی کارنرموده و سیاست کاری ندارند ، ولیکن در سالهای ۱۹۷۰ و در اوائل سالهای ۱۹۸۰ ، ساف و فدائیان کم و بیش لائیک بودند که غرض مبارزه ناسیونالیستی را در اشغال داشتند . سرویسهای اسرائیلی که کارهای بسیاری در پیش رو داشته و با نظر خوب و مساعدی سر بردار و ردن جنبشی مخالف با هواداران یا سر عرفات را

اطلاعیه

از صحنه ۱

مردید. جنایاتی از قبیل ترور آقای محمدحسین نقی نماینده مقاومت ایران در ایتالیا، ربودن و شکنجه کردن مجاهد خلق، علی اکبر قربانی، در ترکیه و ترور دکتر کاظم رجوی فراموش شدنی نیستند.

۲ - شورای ملی مقاومت ایران از سوی تمام مردم ایران، با استناد به اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور ملل متحد،

کماندوهای عزالدین القسام و صاحبان جنسیتش مقاومت اسلامی آیا در حال خلبند از فتح و ساف اند؟ در حال حاضر بیدار درگیریهای مرگبار تاسستان گذشته، در غزه بین دورقیب آتش بس برقرار است. ولیکن هیچکس آماده شرط بندی روی دوام و قوام این منارکه نیست. به گفته جابر ملاح عضو هیئت مذاکره اگر اسحق رابین سریعاً به قولهایش عمل نماید و اگر نتایج ملموس از مذاکرات و اشنگتن حاصل شود در آن صورت شاید حمایتی عمومی از ساف بوجود آید. بهر صورت بی تفاوتی و مغضوبیت شروع کرده است.

برای جابرجی لگر علل دیگری در کار باشد، بسی بیاعتنی و بی اطلاعی خصوصاً ارتقا، قدرت بنیادگرایان اسلامی قبل از هر چیز بیانگر خشم و ناامیدی توده های فلسطینی است. این مردم ایمان خود به صلح را از دست داده اند، کافی است این امید و ایمان را به آنها داد تا شانسهای حاصله از مذاکره نجات داده شوند. بیعیبارت دیگر، مسایقه ای از نظر وقت در گرفته است، و کشتور بهود در حال حاضر خواستار ارائه تصویری از ورود سه جنگی بی نتیجه علیه اسلام نیست. بهر حال ۸۰۰۰۰ فلسطینی اساساً مسلمان و همچنین شهروند اسرائیلند و زمان آن رسیده است که به این مساله توجه گردد.

زان فرانسوا بولگاری مدتها قبل در یکی از کتابهایش (۲) نوشت که: "خوان المسلمین متقاعد به شکست غیرقابل اجراء تصمیمات دیپلماتیک ساف می باشد، که، مواجه با "لثامت یهود" و بی همتی اعراب خواهد شد. مدتهاست که اصول گرایان انتظار لحظه موعود را می کشند، با علم به اینکه حال با وقت دیگری مردم اسلام را بمانند یکه و تنها راه حل الترناتیو سیاسی، ایدئولوژی و نظامی خواهند یافت. این لحظه آیا فرا رسیده است؟

علیرغم آنچه که پیش آید، حتی اگر به قول آقای مداح، "راهی فلسطین، دریای مدیترانه یارودن برای حماس بیشتر شعاری است تا یک هدف سیاسی ملموس. متخصصین بسیاری هستند که "رشوها" که از ایمن پس ریشه دارم شده اند را "جزوی از منظره سیاسی فلسطین می دانند". بیش از یک توافق مبهم موقت خودگردانی محدود برای نگاهداشتن آنان در زیر سایه منارهایشان لازم است.

زیر نویس:

(۱) - تیتر مدرکی است که موسسه کوچک تولید فلسطین بنام تلویزیون قدس ۵۵ دقیقه فیلمبرداری را به آن اختصاص داده است.

(۲) - روشنفکران و وزندگان اسلام معاصر، تحت نظر ژیل کیپل و ژان ریشارد

مصرانه خواهان اعمال تحریم نفتی و تسلیحاتی دیکتاتوری تروریستی و مذهبی حاکم بر ایران و اخراج این رژیم از ملل متحد می باشد. جامعه جهانی و سازمان ملل متحد و اعضای دائمی شورای امنیت در این مورد بسیار اهمال و مسامحه کرده اند، حال آنکه احترام به حقوق بشر، در برابر رژیم این چنین ضد بشر، قاطعیت و جدیت می طلبد.

نگرانی بازرگان از بابت بی ثباتی رژیم و سینه چاندان او برای این که مبادا رژیم آخوندی از بابت تروریسم و نقض حقوق بشر مورد مجازات و تحریم قرار گیرد، به راستی چندش آور است و تنها ماهیت فاسد ضد ملی دارالتجاره مربوطه را فاش می کند.

۳ - خطر موهوم تجزیه ایران و تهدید تعامیت ارضی، از سوی بقایای خمینی، به ویژه دارودسته رفسنجانی، صرفاً برای مقابله با موج محکومیه های جهانی و شناسایی بین المللی مقاومت ایران و حمایت عظیم داخلی از این مقاومت و ارتش آزادیبخش ملی اختراع شده است. بازرگان نمی تواند با عنوان کردن اختلافات ارضی و مساله جزایر خلیج فارس برای حقیقت سرپوش بگذارد. ریزه خواران گوناگون دیکتاتوری آخوندی با پیش کشیدن خطر خیالی تجزیه ایران و تهدید موهوم تعامیت ارضی کشور، می خواهند برای رژیم مغزور و آبرو باخته در برابر مردم به پا خاسته میهن ما کسب مشروعیت و جلب حمایت کنند و مساله مبرم سرنگونی حکومت ضدمنی را تحت الشعاع قرار بدهند. شاهام می گفت امر من نشام ایران. ایرانستان، می شود!

۴ - بزرگترین و خطرناکترین دشمن مردم ایران، بزرگترین مانع وحدت ملی و بزرگترین عامل تفرقه و تجزیه و تهدید تعامیت ارضی همانا رژیم ضدملی، ضد ایرانی و ضد بشری خمینی است. رژیم خمینی جنگ خانمانسوز ایران و عراق را به بهانه های واهی و با شعار فتح قدس از طریق کربلا، ۸ سال ادامه داد، بیش از ۳ میلیون کشته و معلول و مجروح و ۱ میلیون آواره و بیش از یک هزار میلیارد دلار خسارات مادی به بار آورد و کل اقتصاد ایران را متلاشی نمود و سرانجام با اعلام زهرخوردن عقب نشست. از این رو دیگر نعره های جنگ طلبانه و عربده های ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی، آخوندها و پاسداران سرکوبگر و متحدان سیاسی آنها مفید فایده نیست. فضیحت ایران کیت و ماجرای کلت و میک و سلاحهای اسرائیلی را همه به یاد دارند.

۵ - در داخل ایران هیچ تشکل سیاسی به نام نهضت آزادی، وجود ندارد. اکنون بازرگان مانده است و پادوهای مانند ابراهیم یزدی، که در زمستان گذشته از سوی خامنه ای و رفسنجانی، به دنبال ایران گیتی دیگر به مأموریت آمریکا فرستاده شد. التماسهای مکرر به رژیم برای دریافت اجازه کسب و کار سیاسی (که رسماً با جواب منفی آخوندها مواجه شد) به روشنی مبین ضعف و زوال مشتاقان پراکنده است که به عزت خود را وفادار و موافق غیرحاکم، رژیم آخوندی توصیف کرده اند؛ همان کسانی که کشورگشایی و صدور ارتجاع و «پیروزیهای سپاه پاسداران و رژیمدگان اسلام در جبهه های سلیمانیه و فاع، را به خمینی تبریک می گفتند و در بحبوحه قتل عام هزاران زندانی سیاسی به وقیحانه ترین صورت اعلام می نمودند که کسی از نیروهای ملی و مردمی انعام نشده است. بازرگان هنوز با انواع خوش خدمتیا - که هرگز پادشاه

شاهد بودند، دستور داشتند بگذارند برادران واعظ دعاها و آياتشان را با آرامش خاطر بخوانند و مساجدشان برسند - هدف اصلی آنها، در آن موقع به رهسازی فلسطین بلکه به اسلام گروانیدن توده ها بود. آن موقع هنوز در بیت المقدس فکر می شد که تا رسیدن آنها وقت باقی است.

امروز موج عظیم رنسانس اسلامی خوب و خوش به ساحل فلسطین رسیده است و اسرائیل بعد از مدتها مسامحه و اهمال به ارزیابی در جهت مقابل ارزیابی قبلی رسیده و در همه جا از "خطر سبز" صحبت می کند. روزی نیست که رسانه های جمعی محلی خبری از "تروریست های حماس" درج نکنند، آنها تروریستند. های حماس را مسئول همه چیز و تقریباً همه چیز، ناستثنای برهم خوردن اوضاع جوی می دانند.

وانگهی دستور تقدم داده شده به برادران بنیاداً تنبیری ننموده و اگر می توانستند بن ادامه مبارزه مسلحانه برای فلسطین و حفظ حفاظت اسلام در سرزمینهای "رشوهای" غزه یکی را انتخاب کنند، بدون شك اینها را فرس نمازشان خود را ختم می کردند. "انسان ضعیف است، تنها خدا بزرگ است"، حرفی است که شیخ نظیر القاج به ما می گفت.

از دید برادران جنگ علیه اشغال دیگر نظر نکه بمانند شك هدف بیشتر دعوی است تا وظیفه و "مأموریتی الهی" برای هر مسلمان خوب فلسطینی. گرچه انتباهم در بی اطلاعی و عدم استقامت مالسی رند و مومنی کنند ولیکن آنچه حماس را از جنبشهای اصول گرای الجزیره و مصر متمایز می سازد اینست که حماس تقریباً کلیه مستمسک ها و مخنجان ناسیونالیستی را از دولت گرفته و از آن خود نموده است. با استثنای همزیستی مورد قبول ساف یعنی دو کشور جدا از هم، یکی بهود و دیگری عرب در سرزمین فلسطین.

خشم و ناامیدی

مطمئناً اگر گفته شود که ضربه و بلای ناگهانی ای که اسرائیل در ماه دسامبر گذشته بر آنها وارد نمود ضربه شمشیری بود بر آب، مقبول نخواهد بود. اخراج "۴۰۰ نفر" در ماه دسامبر به جنوب لبنان ضربه ای بود که سواي چند کادر سیاسی شناخته شده، توجه کسی جز هواداران بدون اهمیت را جلب ننمود. بی شورش بزرگی که قبل از آن انجام شد و شامل بیش از یک هزار رزمنده و فعالین همیشه در سایه ولیکن در دسترس گردید، همانطور که ژنرال ساقی می گوید: "ضربه ای بود محکم به ساختار جنبش".

مساله ای که مطرح است عبارت از اینست که رزمندگان مسلح همچنان آزاد بوده و در مرحله دومی معلوم خواهد شد که آیا با قطع از سازمان نشان دستگیری تروریستها آسان خواهد بود یا خیر. "علی الحساب نه تنها عملیات اخراج موجب تبلیغات گسترده و صمی برای آنها شد، بلکه مشروعیتی هم به ایمن جنبش داده است که هنوز مشکلاتی برای قبولانیدن خود داشته است. یکی از کادرهای فتح در هبرون که اصلی ترین پایگاه حماس در کرانه های غربی رود اردن است، بر این عقیده است که از موقع اخراج مردمی بودن آنها در برابر شده و ظرفیت اخذ و جمع آوری اعانتشان هم ده برابر شده ..."

مصاحبه با رئیس "ك.ك.د.ب"

از "المجله" نشریه بین المللی غربی
شماره ۶۸۹ - ۱۲۷ تا ۱۲۸ آوریل ۹۳
مترجم: مزده

در بین متهمین به کودتای مانور رئیس جمهور سابق گنادی بنیاف و رئیس وزرای سابق والتین بالوف و وزیر دفاع دیمتری یاسکوف و وزیر دفاع ایلیچ باکلانوف و ... دیده می‌شوند.

اما وزیر کشور سابق بوریس بوجوقیل از دستگیری در اثر شکست در کودتا خودکشی نمود (بر جت متهمین متهمین ضد گورباچف و ولادیمیر کریچف رئیس دستگاه امنیتی ك.ك.د.ب است). ولادیمیر کریچف بیرون از زندان خود را برای محاکمه به جرم خیانت آماده می‌نماید وی در خانه اجاره‌ای کوچکی در مسکو - مصاحبه‌ای دارد. او در این مصاحبه نظرات و دیدگاه‌های کسانی را توضیح می‌دهد که بنام مدافعان سیستم کهنه یا همشهریه‌های افراطی شناخته می‌شوند. آنهایی که وطن پرستند، آنهایی که می‌خواستند زمان را به عقب بازگردانند و کسانی که در خلا، سیاسی برای کسب قدرت جنگیدند.

اینک متن مصاحبه با کریچف

س: آیا چیزی از دستگاه امنیتی سابق و یا کادربهای سابق باقی مانده است؟

کریچف: هیچ چیز از دستگاه امنیتی سابق، که برترین سیستم امنیتی در دنیا بود حتی غربی‌ها هم به این مسئله معترف بودند باقی نمانده است. این دستگاه کاملاً از اتفاقات پشت پرده آگاه و برای دولت منافع بسیار برابری میلیون‌ها دلار داشت. در سال ۹۱ کاتین می‌خواست همه چیز را بهم بزند. او هدف خود را مخفی نمی‌کرد و گفته بود "من برای يك هدف آنهم از بین بردن وزارت امنیت حکومت آمده‌ام".

س: حتی این شامل سیستم امنیتی داخلی هم می‌گردد؟

کریچف: البته، حتی روزنامه‌ها هم نوشتند که شماری از اعضای بدنام امنیتی را اخراج نمود.

س: بوریس هیلسینگ در دیدار خود از کره جنوبی جعبه سیاه هواپیمای کره‌ای را به کارشناسان کره‌ای مسترد نمود، ولی نوار داخل جعبه سیاه پاک شده بود. آیا شما معتقدید که این مسئله رابطه‌ای با دستگاه امنیتی داشته باشد؟

کریچف: باور نمی‌کنم چونکه دستگاه جاسوسی نمی‌تواند در سطح بالایی به چنین کاری دست بزند، علاوه بر این قضیه در زمانی اتفاق افتاد که من در زندان بودم و چیزی از آن نمی‌دانم.

س: بهر حال شما از قضیه هواپیمای بوئینگ کره‌ای باید چیزی بدانید؟

کریچف: در حقیقت هواپیمای کره‌ای از مسیر خود خارج شده بود. این يك حادثه هوایی عادی نبود، یعنی ورود این هواپیمای به خرم هوایی ما امری عادی نبود. تصور شده بود که این يك هواپیمای نظامی می‌باشد و در واقع باعث شد که این حادثه رخ دهد که باعث مسرگ

صدها نفر گردد و آنهایی که مسئول بودند باید پاسخگوی این حادثه باشند.

س: در هر حال شما یکی از معدود کسانی بودید که در جریان مسایل روز دنیا قرار داشتید و تمام مسایل سری دنیا در اختیار شما بود، حال شما چرا ادراید مخفی می‌کنید؟
کریچف: ۸ ماه قبل از کودتای اگوست بخاطر دارم که من گفتگویی با ریچارد نیکسون رئیس جمهور اسبق امریکا داشتم و سوالي از وی کردم که آیا امریکایی‌ها می‌خواهند که روسیه را به دوران سالهای ۳۳ برگردانند. یکی از دستیاران وی جواب داد "بله همینطور ولی تا بحال هیچ سیاست رسمی برای این مسئله عنوان نشده".

در ژوئن ۹۱ در اطلاعیه‌ای هم هشدار دادم منی بر اینکه احتمال ورود نیروهای امریکایی به خاک روسیه آنهم از کانال "ناتو" یا کانال "سازمان ملل" وجود دارد. بهر حال ما از حضور کلاه‌آبی‌ها در "مولداوی" یا "قفقاز" یا در آسیای میانه هراسی ندارند.

ایالت متحده توجه زیادی به "یاقوتیا" و همچنین سیبری دارد مثل توجهی که قبلاً در دوران امپراتوری روسیه به آلاسکا داشتند.

س: بر چه مبنایی شما تصور اشغال روسیه از طرف نیروهای امریکایی را کردید؟

کریچف: احتمال دارد در این زمینه موفق گردند چنانچه در کوچک کردن روسیه به موفقیت رسیدند و چینی‌ها را به ۱۵۰ میلیون نفر تقلیل دادند که در آن موقع اتحاد جماهیر شوروی ۳۰۰ میلیون نفر بود. ما متحد و منسجم بودیم و در آن موقع اتحاد جماهیر شوروی بر قدرت بود. روسیه نمی‌تواند بدون قسمتهای دیگری که جدا گردیده‌اند باقی بماند و در عین حال جمهوری‌ها هم نمی‌توانند بدون روسیه به پیش روند. در این صورت ما نمی‌توانیم به تنهایی از هرج و مرج اقتصادی نجات پیدا کنیم و مانمی‌توانیم مواد خام خود را به قیمت نازل فروخته و ما به محتاج خود را به قیمت گزاف می‌گیریم و این امری است و حشمتنا که برخی می‌پندارند که ایالات متحده به ما کمک می‌نماید این خیال‌ساز نیست. ما در حال حاضر دولت نبوده بلکه قطعه زمینی هستیم، اگر ما بخوایم با منطق صحبت کنیم منافع ایالات متحده یا روسیه یا اتحاد جماهیر شوروی همخوانی ندارد. ولی بزرگان سیاسی از ما خواستند که

محلحت غرب در خاور میانه را در نظر بگیریم در آن صورت منافع ما در این میان چه خواهد بود؟

س: اینطور بنظر می‌رسد که کسی نداند چه اتفاقی در پیرامون مارخ و تاجچه حدروسیه در معرض اشغال است؟

کریچف: در صورتیکه ما اگر در اسرع وقت به حل وضعیت خودمان تلاش ننمائیم دچار ویرانی و تکه تکه شدن می‌گردیم چنانچه در حال حاضر شروع شده است و هیچکس هم از آن باخبر نیست.

س: چه چیزی باعث شده که شما نگران باشید؟
کریچف: من قبل از این گورباچف را به تمامی نمی‌شناختم.

س: او کیست؟ آیا او خائن است؟
کریچف: بله باید من اینرا قبلاً می‌فهمیدم و باید من در رابطه با مسائلی که در کشورمان رخ می‌داد ترک بودم. اطلاعات زیادی از کشورهای دیگر بدستم می‌رسید باید این اطلاعات را انتشار می‌دادم و باید با صدای

بلند می‌گفتم که چه اتفاقی برای اتحاد جماهیر شوروی در حال وقوع است.

س: آیا شما به اندازه کافی هشدار بودید؟
کریچف: به چه دلیل مادر سال ۹۱ در نیمه راه توقف نمودیم؟ بخاطر اینکه ما خود را از خون ریختن دور نمائیم. وقتیکه ما منوجه شدیم طرف مقابل آماده خونریزی است و در برابر ما صف آرای می‌نماید ما در جای خود منوقف شدیم و من جدا مانختم برای کشته شدن آن سه جوان "در جریان کودتا". وضعیت کنونی ما را ببینید تعداد اسکال جنگ داخلی حدود ۱۵ هزار نفر جان خود را از دست داده و میلیون‌ها آواره شده‌اند.

س: چه موقعی گورباچف خائن شد؟ زمانیکه دبیر کل حزب کمونسنت بود یا بعد از آنکه رئیس جمهور شد؟
کریچف: در واقع ما بحث خیانت می‌نمائیم نه معنای عام کلمه.

س: این جواب نیست؟
کریچف: شما جواب را می‌دانید.

س: چه موقع شروع بکار کرد؟
کریچف: گورباچف هر مندی توانست در طول

۲۹ سال که کار کرده‌ام با وی در می‌یوف بکار دروغ به من نگفته است. اطلاعاتی را از من مخفی نموده بود ولی هرگز به من دروغ نمی‌گفت و وقتی که من رئیس ك.ك.د.ب شدم این اولین نفری بودم که دروغ آن در می‌یوف و گورباچف که من بدان پی بردم.

س: یعنی مقصودتان این است که گورباچف دروغگو است؟

کریچف: من باور نکردم ولی به زودی کشف نمودم. پاسخ این سوال در آینده‌ای نزدیک برای شما روشن خواهد شد. همه چیز احتیاج به وقت دارد.

س: آن وسایلی که در دست حکومت برای سرکوب يك کودتا چیست؟

کریچف: جنگ داخلی يك حرکت افراطی است و حکومت وقت اینطور لازم می‌داند که برخی فشار بر روی مردم اعمال نماید چون در حال حاضر حکومت به وضوح مسائل را می‌بندد. ولی اکنون غیر ممکن است که حکومت مردم زیادی را دستگیر نماید، چون نه رئیس جمهور، نه ارتش و نه دستگاه اطلاعاتی نمی‌توانند کاری بر ضد مردم انجام دهند.

س: در رابطه با ك.ك.د.ب چگونه؟
کریچف: منظر من در مورد قدرت ك.ك.د.ب مبالسه شده است.

س: در رابطه با فشار روحی چگونه؟
کریچف: من اکنون نمی‌توانم بطور جدی به سه

ساله بپردازم.

س: آیا شما ابزار کافی برای سرکوب ناراضیان را در اختیار داشتند؟

کریچف: قطعاً. دولت در طول ۷۰ سال، میلیون‌ها برای ۲ هزار کیلومتر مربع صرف می‌نمود. ولی در حال حاضر که مرزهای ما کمتر شده با اینحال دولت روسیه مجبور است صرف مقدار زیادی بودجه در این رابطه است. قبل از این ۱۰۰ سدر در دریای سیاه و بالتیک وجود داشت ولی حالا روسیه دستش از آن بنا در کوتاه شده

در این صورت ما باید بنا در جدیدی را تأسیس نمائیم و این مسئله برای ما خسارت‌های زیادی را در پی خواهد داشت. این مسئله، مسئله‌ای ساده نبود که من به آن به

بعد از ویدئو و موسیقی، ماهواره و . . .

این وضعیت، مجبور است به بهشت زهرا پناه ببرد. این گزارش که تحت عنوان "گشت و گذاری در خیابانهای شهران بزرگ" در شماره ۷۱/۹/۲۳ روزنامه رسالت چاپ شده نکات قابل توجهی دارد که مطالعه آن جالب است.

استقبال مردم از هر چه خارج از معیارهای رژیم ارتجاعی است، سبب بروز اختلافات فاحشی در بیسی جنباهای رژیم شده است. روزنامه رسالت در رابطه با "تهاجم فرهنگی" با بسیاری از افرادی که به نوعی در رژیم دستی داشته و یاد گذشته داشته اند، در مصداق است تا برای بحران رژیم در این زمینه راه حل "سربوب" را تجویز کند. اما کسانی با این دید روزنامه رسالت شدت مخالفند. عباس عمیدی سردبیر روزنامه سلام کسه در گذشته جز کسانی بود که از سیاستهای سرکوبگرانه رژیم حمایت می کرد، اکنون که ناتوانی رژیم و تعرض فرهنگی مردم را می بیند می گوید: "آنان که به علت دیدن یک زن بدحجاب، چهره هایشان برافروخته میشود، آبیاشده است که از فقر و فلاکت هزاران هزار ایرانی در کنار کاخها و انوسمیل های آنچنانی برخوردارند و اسلام را در خطر ببینند؟" (رسالت ۷۱/۹/۹) - عباس

عمیدی که شاهد دهن کجی اکثریت جوانان کشور ماسته فرهنگ ارتجاعی رژیم است می گوید: "گروهی که سخن از تقیه در معرض فرهنگ استمال قرار گرفته است، جوانانی هستند که گوشت و پوست و استخوان و فکرشان در این نظام شکل گرفته، و تحت آموزش رسمی جمهوری اسلامی و زیر نظر رسانه های رسمی و کنترل اجتماعی همین حکومت مایرنگ شده اند. این امر نشانه چیست؟ غیر از این است که سیاستهای منع و سلبی ره به جایی ندارد؟" (هماچار ۴۰) بدین ترتیب عباس عمیدی سبب شکست رژیم در زمینه تحمل نظرات ارتجاعی به جوانان بحور و روشنی اعتراف می کند و در واقع همین اعتراف به یک حقیقت مسلم است که گردانندگان روزنامه ارتجاعی رسالت را خشمگین می کند. روزنامه رسالت در مقابل این عقیده عمیدی که معتقد است "فکر و اندیشه را با ارعاب و تهدید نمی توان تعطیل کرد" می نویسد: "آبادیشان اطلاع دارند که حرف قسران و اسلام و امام را بنایب با فکرو اندیشه منقطع سلمان رشدی چه بود؟ قطعاً این حرف چیزی را لاتراز - تهدید و ارعاب - است. آیا منطق قران و امام را در این مورد می پذیرد؟" روزنامه رسالت که در واقع پیس از انتخابات مجلس چهارم ارتجاع بیان کننده جناح غالب در مجلس است در مقابل عباس عمیدی "قسران"، اسلام و امام" را قرار می دهد و البته با وقاحت تمام به روشنی می گوید که حکم قتل سلمان رشدی که چیزی بیشتر از "تهدید و ارعاب" است در مقابل حق بیساز آزاد سلمان رشدی صادر شده و بدین نحو عمیدی را در مقابل مساله ای قرار می دهد که عباس عمیدی و امثال او قسار نیستند از حق "آزادی و بیان" دفاع نموده و بنا بر این

دفاع آنان مشروط و سست می شود. بی این حال روزنامه رسالت و گردانندگان ارتجاعی آن سعی می کنند تا به هیچگونه روزنه ای اجازه خودنمایی ندهند. اما رسالتی ها که ناتوانی رژیم در کنترل مردم را می بیند،

پاسداران جهل و جنایت رویشان خیلی زیاد می شود، خدمت آنان می رسد. چندی قبل روزنامه رسالت خبری تحت عنوان "پاسداری در حین امر به معروف و نهی از منکر مضروب شد" چاپ کرد که متن کامل این خبر برای تأیید آنچه در بالا گفته شد بطور کامل چاپ می شود.

مورد دیگری که رژیم نسبت بدان حساسیت زیاد نشان می دهد، لباس است. ارتجاعی ترین و عقسب افتاده ترین باندهای رژیم به چیزی کمتر از چادر سیاه کامل پوشیده که زنان را بصورت "کلاخ سیاه" تسامعبار تبدیل می کند، رضامی دهند. اما مردم در این زمینه هم کار خودشان را می کنند و عریبه های مرتجعین و پاسداران رژیم نمی توانند مقاومت مردم در این رابطه را خنثی کند. چندی قبل روزنامه رسالت در شماره ۷۱/۹/۱۵ خود گزارشی از وجود انواع تی شرتها با مارکهای خود در مغازه های تهران گزارشی بخش نمود. گزارشگر بار دین کردن اسامی و جملاتی که روی اینگونه تی شرت ها چاپ شده می گوید: "منظور از ردیف کردن این کلمات لاتین چیست؟ قبل از هر چیزی بگوئیم که نه قصد تدریس زبان انگلیسی را داریم و نه می خواهیم یک فرهنگ لغت انگلیسی را به شما معرفی کنیم، بلکه می خواهیم و قصد داریم راههای نفوذ فرهنگ بیگانه و آنچه که هویت ملی و اسلامی ما را به خطر می اندازد را بریسی کنیم" (رسالت ۷۱/۹/۱۵) گزارشگر سپس گفتگوی خود با یک خانم را چاپ می کند که به مطالعه آن از نظر عکس العمل مردم و بخصوص خانم ها در مقابل اینگونه اراجیف رژیم قابل تعمق است. متن این گفتگو به قرار زیر است.

رسالت ۱۵ شهریور ۷۱

جوانان به گفتگو نشستم.
- سلام خانم
- سلام
- می نویسم برسم معنی کلمه « Blues » که روی کاپشن شما نوشته شده چه؟
- شما حکاره هستی که از من می پرسی؟
- من چریکوارم، در حال تهیه گزارشی برای من هم اسمی و بحث و بحث هستم!
- ناند بگم این کلمه، اسم نوعی از موسیقی عمالگر سناهان آمریکاست! منم چون این موسیقی را دوست دارم این کاپشن را انتخاب کردم!
- آیا صرف علاقه به یک موسیقی می بونه دلیل گزارش انسان به سببهای فرهنگ بیگانه بنده؟
- آفا، شما چه حرفایی می زنید؟ دوست داسم خردم و بوشدم، مگه جرمنه؟ اصلاً سو بگو که واسلام حرفهای شما دو گوش می کم! ...
خانم جوان راهش را گرفت و رفت چند قدم انتظار مقابل یک یونیک دو جوان را دیدم که روی

چند روز پس از این گزارش، روزنامه رسالت باز هم گزارشی در مورد دهن کجی مردم به معیارهای رژیم و عدم توانایی رژیم سرکوبگر برای کنترل مردم پخش می کند و گزارشگر که از بی توجهی مردم به معیارهای ارتجاعی به ستوه آمده در نمیدی کامل و برای فراموش کسردن

هیاهو و جیغالی که رژیم دیکتاتوری مذهبی - آخوند هائیر - تهاجم فرهنگی " به راه انداخته، هیر روز اسناد جدیدی خود می گیرد. رژیم دیکتاتوری اسلامی آخوندی از یک طرف می خواهد زندگی مردم را بطور همه جانبه در کنترل داشته باشد و از طرف دیگر بیعت مجموعه شرایطی که در جامعه وجود دارد و این رژیم محروست تن به مسائلی دهد که خارج از معیارهای رسمیت یافته رژیم اسلامی است. این کشاکش طسی سالیهای گذشته شادت هر چه بیشتر جریان داشته و به خصوص رژیم بخاطر خطری که از جانب مقاومت انقلابی احساس می کند، در بعضی موارد مجبور است تحت فشار حرکت های فرهنگی مردم، عقب نشینی هایی مسورت دهد که در پیرویه رشد خود، خود رژیم را شدیداً تحت فشار قرار می دهد. بطور مثال خمینی برای اینکسه دستگاه تبلیغی صدا و سیما آخوندی قدری جاذبه داشته باشد، تن به قبول موسیقی با ما و اگرهای زیاد داد. اما این ذره عقب نشینی در عمل بیعت و اقمعی و عملی نبودن معیارهای خمینی سبب چنان مسائلی در جامعه و حکومت در رابطه با موسیقی شد که دیگر برای رژیم غیر قابل کنترل شده است. می توان نتیجه گرفت که مردم در رابطه با موسیقی خواسته های خود را به رژیم تحمیل کردند و اکنون دیگر رژیم قادر نیست در زمینه موسیقی جلوی مردم را بگیرد و تنها می تواند در ارگانهای رسمی تاحدی که عقل سانسورچی ها می رسد، کنترل داشته باشد. با این وجود در این زمینه نیز کار سانسورچی ها چندان به مذاق ارتجاعی ترین باندهای حکومتی خوش نمی آید. رسالت در شماره ۷۲/۱/۲۳ خود از "پخش آهنگهای میندل غری آسم از نوع مایکسل چکوسی در برنامه های ورزشی و غیره" شکایت می کند. اما خارج از ارگانهای تحت کنترل رژیم و در سطح جامعه، مردم در رابطه با موسیقی همه چیز را به رژیم تحمیل کرده و علیرغم فشارهای شدید پاسداران، مردم کار خودشان را می کنند و در مواقعی نیز کسه

رسالت ۱۵ شهریور ۷۱

پاسداری در حین امر به معروف و نهی از منکر مضروب شد

زیابار از توابع صومعه سرا
چریکوار رسالت
یک پاسدار در حالی که از راننده سواری پیکان می خواهد ضبط صوت ماشین را که موسیقی میندل پخش می کرد خاموش کند، مورد ضرب و شتم قرار گرفت.
به گزارش چریکوار ما مظهر موسیقی برادر شهید از پاسداران لشکر قدس که با اومسل پیکان به رانندگی احمد اسماعیلی از مسیر صومعه سرا به زیابار در حرکت بود از راننده می خواهد ضبط صوت ماشین را که موسیقی میندل پخش می کرد خاموش کرده و با صدای آن را کم کند، اما راننده بی اعتنا به

این حواسه با کلمات رکب نامی از منکر را مورد مسخر فراو می دهد.
وی پس از آنکه ما لحاجت راننده مواجه می گردد از سانس ساده می شود نا شماره ماشین را یادداشت کند که در این فرصت ناگهان راننده معاند ما جوب دستی این پاسدار را از ناحیه سر و صورت مضروب می کند ما توجه به فرمایشات اخر مقام معظم رهبری در اجرای امر به معروف و نهی از منکر است حزب الله و شهید داده زیابار خواهان مجازات راننده نامبرده از سوی مسئولین شهرتان صومعه سرا هستند.

طریق ماهواره از ۸ کانال آسیایی و ۲۳ کانال آسیایی و اروپایی استفاده نمود. مساله ماهواره سندان تحمیل ویدئویی رژیم از جانب مردم، يك مساله مهم بسیاری رژیم است. در رژیم دیکتاتوری اسلامی آخوندی، هر چه خارج از معیارها و ضوابط رژیم، سرعت سیاسی می شود. از این جهت موسیقی، پوشش، کتاب و ویدئو، هر چه در گام اول از نظریاتی علیه رژیم نیست، اصلا سرعت جبهه سازی بخود می کند. اما ماهواره از همان کام اول، برای رژیم جنبه سیاسی دارد. ضمن اینکه کنترل آن برای رژیم مشکل و در واقع غیر قابل کنترل است. روزنامه رسالت که همواره از سرکوب دستاورد های فرهنگی مردم دفاع نموده در این رابطه می نویسد: "ما باید بپذیریم که توان مقابله تکنولوژیک با پخش برنامه های ماهواره ای را لااقل در حال حاضر نداریم." مقاله نویسی روزنامه رسالت سپس ادامه می دهد: "ماهواره اس - تی - وی هم اکنون با لای سرماست و متاسفانه بسیاری از خانه ها، با ساخت آسان دیش های مخصوص آن و با خرید انواع وارداتی قاچاق آن، بنا ماهواره در ارتباطند و مانی آنکه کاری اساسی را در مقابله با پناه شدن اخلاق و سلامت جامعه شروع کرده باشیم، شاهد این ارتباط هستیم." (رسالت ۲/۶/۷۲)

روزنامه رسالت همچنین مقالات متعددی در رابطه با ماهواره و چگونگی مقابله با آن چاپ می کند. لیلا ساره در شماره روز ۲۲/۱/۷۲، روزنامه رسالت مقاله ای تحت عنوان "ماهواره و تهاجم فرهنگی" نوشته که در آن به ناتوانی رژیم در کنترل ماهواره اعتراف می کند. روزنامه رسالت ماهواره را تصویر تازه "قدرت" نامیده است. در این رابطه در روزهای ۲۹ اردیبهشت امسال شانزدهمین سمینار مسئولین دفترهای سازمان تبلیغات اسلامی سراسر کشور در تهران برگزار شد که بسیاری از سران رژیم در این رابطه اظهار نظر کردند. احمد خمینی برخلاف همسایه ی کارشاسان که از نفوذ و نقش ماهواره حرف زده اند، معتقد است که ماهواره "زمانی می تواند موثر باشد که مردم از اسلام فاصله گرفته باشند" (ارادبور رژیم ۷۲/۲/۸)

بعد از ویدئو و موسیقی، ماهواره و

شهرهای میزبان استفاده از آنتن های ماهواره ای بسدت روبه افزایش است و عده ای کارشان وارد کردن اینگونه آنتنها به داخل کشور و نصب آنها در خانه هاست. این آنتنها دارای انواع مختلفی از جمله ترکیبی است، دانمارکی، آلمانی، تایوانی و امریکایی است و غالباً بشقاب آنها ساخت پاکستان است و هر کدام بسته به کیفیت آنتن از یکصد و هشتاد هزار تومان تا شصت و پنج هزار تومان به فروش می رسد و وسیله آنها می توان از

مجبور است مشوق هر چه بیشتر سرکوب شود و هر بار که گزارشگران آن با موج مخالفت مردم با معیارهای رژیم روبرو می شوند، کف بردهان آورده و با عریضه کشی از سر ستوه، مشوق هر چه بیشتر سرکوب می شود. روزنامه رسالت وقتی شاهد بی توجهی مردم نسبت به معیارهای رژیم است، از "علفهای هرز" در خیابان "لاله زار" تهران گزارش پخش می کند و از راستمال و ناتوانی خودرانه در "لاله زار" بلکه در "شوره زار" احساس می کند.

گشت و گذاری در خیابانهای تهران بزرگ

مغازه کتابفروشی کتابی از یک نویسنده طاغوتی به جنم می آید. کتابهای مستدل او حیوانات ساری را به کام سقوط و بدبختی کشاید! و حالا به راحتی کتابهاش را در دسترستین کتابفروشها می یابی.

ناگاه چند روز پس از ماه پیش را به یاد می آورم. یعنی ترمینال هوایی ساها را. مسئولین محترم سرویس ارتباط هوایی ارتش از ورود خامی بدحجاب به داخل هواپیما جلوگیری کردند.

درد در تار و پودم رخنه کرده است. تصمیم می گیرم برای تسکین درد و آرام بیشتر سری به مزار دوستان شهیدم در بهشت زهرا بزنم. سالهای

با خود می گویم: وقتی شما به بخش جن سربال بوج و بی ارزشی می بردازد از این جوانان سر اسطاری نباید داشت! نه راستی شما بگوئید. از بخش امن سربال چه چیز می غاید سدها می شود. نازبهای بی مزه و لوس نازبگران، دنبال گهای سطحی و به حیلان مناسب آنان و حرکات بعضاً زنده نوسط. هرسبها چه چیزی را به سدگان می آموزد؟ - سلخ مسلم مستدل «دنگه چه خبر» سر روی دیوارهای شهر منظرهای دیگر برای من است. فلسفی می سرورنه که به راحتی به اعتقادات مذهبی ما توهین می کند و آن وقت نوسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اجازه پخش می گرد و در سینماهای کشور اکران می گردد.

پس از انجام کار قصد نازگشت می کنم. دو خانان جسجور بنشت و شترنن یک

در کنار خیابان جاحوش کرده است. برای خرید داخل یکی از نونکها می نوسم. دختر جوانی ماسوسی سناز کوباه بوشده و سمول گم و گمگو نا فروشدهای حوزن است.

دختر سلوار لی گنادی را برای خرید می خواهد و فرورسده در جواب حرفهای را می زند که نرم از نازگویی آنها دارم.

و دختر در جواب می حدد و سر بر می حدد و عسق عسق و خود مرا فرا می گرد، زانوسم گونا لذرت حرکت را از دست می دهند. از خرید صرف نظر می کنم و به سرون از فروشگاه می آمم. جوانی سست و چمد رساله عکس نازبگران سربال آتسه عسرت را می فروشده. چند دختر جوان دور او را فرا گرفتارند. نا برداخت ملعی بول عکس نازبگران در کلاسور و کف دختران جا خوس می کند! نخدی حاکی از رسالت می زند و می رود

روزنامه چند ماه گذشته را از نظر می گذرانم. وعده و وعده های مسئولین سبوی اسطامی پیرامون مبارزه با بدحجابی و متکرات نا حروری درشت در صفحات خود سیاسی می کند. برای اسطامی کاری بر می خیزم و حسان ولی عصر را زسر ما می گنارم: محمت زبادی به جسم می آید. ساری از زمان ما جهرهای بزرگ کرده در حسانان به رفت و آمد سبغولاند. چرا اسان بوی از اتلانی بردماد؟! دست فروشها انواع و انقیام حوزانهای ناما را به فروش گذاشتمند. روسریهای بالا کشنده زمان تصویر سانیطوس را بوجود آورده است. لباسهای سرم آور و ناماسبت بر سر عدهای از سناور، دل آدمی را سحت می آرزو!

صدای موزیک بند رگاه سالیام از فروشگاههای گونه گنار به گوش می رسد. ماسمن با سرون اسطامی

رسالت ۲/۸/۷۲

عکسهای هر زرد در لاله زار می روید

عکسهای هر زرد در لاله زار می روید

عکسهای هر زرد در لاله زار می روید

افراد ارتجاعی پرورش یافته در مکتب خمینی که هنگام ورود به ایران اعلام نمود که هیچ احساسی ندارد، میتوانند چنین احساس پوچی نموده و در هر کجا که چیزی غیر از آنچه خودشان می پسندند، می بینند، خود را در "شوره زار" احساس می کنند. در واقع خمینی و شاگردان او که اکنون بیشتر آنان گرداگرد روزنامه رسالت جمع شده اند، بخاطر اینکه لجن زار جامعه ما بوده و به لجن و تعفن عادت کرده اند، هر کجا که پایشان را از محدوده خود خارج می گذارند، برایشان غیر قابل تحمل می شود. روزنامه رسالت چندی قبل "تهاجم فرهنگی" را تعریف کرده بود که توجه بدان از لحاظ شناخت عمیق دیدگاههای ارتجاعی گردانندگان رژیم ضروری است.

اما مساله جدید که اکنون در مقابل رژیم قرار گرفته مساله "ماهواره" است. اخبار دریافتی از ایران نشان می دهد که در تهران و مراکز شهرستانها و برخی از

تهاجم فرهنگی یعنی ...



بعد از ویدئو و موسیقی، ماهواره و ...

- تهاجم فرهنگی یعنی تخریب روحی
- تهاجم فرهنگی یعنی تبلیغ سگار آمریکایی در معاشگاه سالیانی!
- تهاجم فرهنگی یعنی نرد آرادانه ماسی غروس در خیابان و کوچه‌ها، آهنگ و خود غروس خانم بدون روسری!
- تهاجم فرهنگی یعنی نمایش فیلم بوج «دیکه چه خبر» در سینماهای کشور!
- تهاجم فرهنگی یعنی عرضه کتاب‌های مندل بوسدگان طاغوسی در بنت ویرس کاشروسا!
- تهاجم فرهنگی یعنی فروش نوارهای مندل خواننده‌های آبخانی در گوشه و کنار خیابان شهرها!
- تهاجم فرهنگی یعنی میدان دادن به رهای بدحجاب در نامی و مالبهای اجماعی!
- تهاجم فرهنگی یعنی استفاده از خانم‌های منی با چهره‌های بزرگ کرده در سازمان‌ها و مراکز صحنی!
- تهاجم فرهنگی یعنی تخریب سبجی!
- تهاجم فرهنگی یعنی فروش عکسهای متدل و کتابهای برریرب در خیابان انقلاب روبروی دانشگاه تهران!
- تهاجم فرهنگی یعنی محو شعارهای انقلابی و اسلامی از سطح دیوار شهرها و تبلیغ شرکتهای غربی!
- نیست حتی بسیجی‌های خود را هم آماده دفاع از رژیم نمایند. هاشمی کلیپ‌های دیرشورای عالی "انقلاب فرهنگی" رژیم این وضعیت را خوبی نشان داد و می‌گوید: "اگر جوانهای ماسفول ویدئو و پارسی و لپتو ولعب شوند، دیگر ارزشهای جبهه و جهاد نرد آنها کم

جدید حرف زدند. "تسخیر فرهنگی" نامند. دیروز صحبت از "تهاجم فرهنگی" می‌شد و خامنه‌ای برای مغایه با آن سخن "مریبه معروف و سبجی از منکر" را راه انداختند. سبجی شریون سرکوب‌های رژیم و آمریبه معروف و سبجی را منکر در مقابل تهاجم فرهنگی کنار راه جسی رسیده که ناطق نوری "سیاست ممنوعیت ویدئو، سبجی از سیاستهای غلط" اعلام می‌کند "چرا که می‌شود در هر خانه‌ای مامور گذاشت" (روزنامه رسالت ۷۲/۲/۶). این حرف‌های ناطق نوری که از ارتجاعی ترین آخوندهای رژیم است، نشان می‌دهد که سران رژیم مجبورند در مقابل مردم عقب نشینی کنند. ناطق نوری این حرف‌ها در ملاقات با مسئولین سازمان تبلیغات اسلامی زد و اضافه نمود که: "با مسئله تهاجم فرهنگی نمی‌شود برخورد فیزیکی کرد و در حال حاضر چهارده استان کشور از برنامه‌های تلویزیون کشورهای همسایه استفاده می‌کنند و ما باید با این مسئله به صورت اصولی برخورد نماییم" (رسالت ۷۲/۲/۶).

ناطق نوری که در ساله "تهاجم فرهنگی" از سیاست تلاق دفاع می‌کرد، اکنون می‌خواهد در مقابل "تسخیر فرهنگی" سیاست "اصولی" اتخاذ کند. اگر رژیم دکتاتوری مذهبی خمینی نتوانست دیگر استبداد را تحمل کند، اگر به حداقل معیارهای دنیای جدید نتوانست تن دهد، اکنون هم نتواند در مقابل ماهواره سیاست "اصولی" اتخاذ کند. اما این رژیم برگرز قادر نیست با ماهواره مقابله کند و ماهواره جای خود را در بین مردم ایران باز خواهد کرد. در شرایطی که رژیم در سراسر جهان به تلاش مقاومت انقلابی هر روز ابرو له می‌شود و موج اعتراض و محکومیت رژیم هر روز بلندتر می‌شود، ماهواره از اولین لحظه، بمثابة یک امر سیاسی در مقابل رژیم قرار می‌گیرد و دیگر رژیم قادر

- تهاجم فرهنگی یعنی احصاء دادن همه امکانات برجی به همه‌های نالت سبجی!
- تهاجم فرهنگی یعنی ساخت سرانهای می‌عجب! ما هر به سالیان و بخش آن از سبجی سراسری تلویزیون!
- تهاجم فرهنگی یعنی عدم توجه به آموزش دینی در مدارس!
- تهاجم فرهنگی یعنی صدرنال افراشت کرانه ماسی‌های شخصی در سبجی‌های سبجی به خاطر بخش موسیقی‌های مندل صدا میداد آزادی!
- تهاجم فرهنگی یعنی حضور بازیگران بدحجاب در فیلمهای سبجی!
- تهاجم فرهنگی یعنی تخریب رهای جادری در برنامه‌های تلویزیون و فیلمهای سبجی!
- تهاجم فرهنگی یعنی نادیده گرفتن ارزشهای انقلاب در سبجی کشور!
- تهاجم فرهنگی یعنی ریب و آمد از: زنده دجرفای ۱۰ و ۱۱ ساله به سبجی تکلف رسیده بدون روسری و ماسک و حادری (یعنی بدون حجاب) در سطح سبجی و دیوار!
- تهاجم فرهنگی یعنی ...
- تهاجم فرهنگی یعنی ...
- رنگ می‌شود " (رسالت ۷۲/۲/۶). این حقیقت که هاشمی کلیپ‌های بدی بدان اعتراف می‌کند، بیان استحال رژیم در مقابل مسائل فرهنگی است. مردم پس از موسیقی و ویدئو، ماهواره را نیز به رژیم تحمل خواهد کرد.

برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۲

خلق درامجدیه و انجام سخنرانی توسط مسعود رجوی در حمله جما قدران و مزدوران خمینی به این میتینگ، ملیشیمای قهرمان مجاهد مظمطی ذاکری شهیداترسید.

۱۳۲۲/۲/۲۹ - حمله مزدوران دربار محمدرفاشاه به میبیکه حزب توده در بابل و شهادت تعدادی از تظاهر کنندگان

۱۳۶۰/۲/۲۰ - عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوای رژیم جمهوری اسلامی توسط خمینی

۱۳۶۰/۲/۳۰ - تظاهرات ۵۰۰ هزار نفری مردم تهران و حمله اوباشان و سرکوبگران رژیم خمینی به این تظاهرات اعتراضی و شهادت دهامبارز و ملیشیمای مجاهد در تهران و شهرستانها و روز آغاز مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

۱۳۶۰/۲/۳۱ - اعدام دسته جمعی تعدادی از زندانیان سیاسی ایران به دستور خمینی، در این روز منجمله رفیق فدایی سعید سلطان‌پور و مبارز قهرمان محسن فاضل از سازمان پیکار اعدام شدند.

۱۳۶۲/۲/۱۲ - اعدام وحشیانه و دسته جمعی ۹ شهفر از مردم قهرمان مهاباد توسط مزدوران رژیم خمینی

۱۳۶۲/۲/۱۲ - انجام شبه کودتای بانداکبر کامیابی - حمله به خط اصول در سازمان اقلیت

روزهای تاریخی

۱۱ خرداد، روز جهانی کودک

خارجی از ۲۲ مه تا ۱ آژوئن

۱۳۴۷ - تشکیل نخستین تشکیلات کمونیستی بنام اتحادیه کمونیست هابوسله مارکس وانگلس

۱۸۷۱ - شکست کمون پاریس، اولین دولت کارگری در جهان و اعدام انقلابیون کمون بوسله نیروهای ارتجاعی فرانسه

۱۶ ژوئن ۱۹۲۸ - تولد رفیق ارستوچه گوارا

۱۸ ژوئن ۱۹۵۴ - کودتای علیه دولت ملی آریز در گواتمالا توسط امپریالیسم آمریکا

۲۵ مه ۱۹۶۳ - تاسیس سازمان وحدت افریقا

۹ ژوئن ۱۹۶۵ - آغاز مبارزه مسلحانه جبهه خلق برای آزادی عمان

۹ ژوئن ۱۹۶۹ - تاسیس دولت موقت انقلابی در بخش جنوبی ویتنام

۳۱ مه ۱۹۷۹ - حمله نهایی جبهه ساندینیت علیه نیروهای سوموزادرنیکارگوئه

۹ ژوئن ۱۹۸۲ - حمله وحشیانه دولت اسرائیل به اردوگاههای فلسطینی در لبنان

دیدار ...

از صفحه ۱

ولمیت هادری ایران نیز متمسور و امکان پذیر کرد، آنوقت آخوندها عوامفریبی‌های دجالانه پیشین راه کناری گذاشته و مردم کرد را در هر دو سوی مرز می‌محابا به توپ می‌بندند!

شورای ملی مقاومت ایران با تاکید بر ضرورت و حتمیت سرنگونی آخوندهای جنایتکار و اینکه هیچیک از این اقدامات سرکوبگرانه و ضد بشری باعث جان بدر بردن آنان و مانع سقوط قطعی رژیم شان به دست پرتوان ارتش آزادیبخش ملی نیست، توجه شورای امنیت ملل متحد را به جنایات و تجاوزات رژیم خمینی جلب و رسیدگی فوری به آن را تقاضا می‌کند.

مسعود رجوی
مسئول شورای ملی مقاومت
۱۴ اردیبهشت/۱۳۷۲

رونوشت:
- دبیرکل ملل متحد
- رئیس و اعضای شورای امنیت ملل متحد
- وزارت خارجه عراق
- کمیته بین المللی طلب سرخ
- کمیسیون حقوق بشر ملل متحد
- غفو بین الملل
- دفتر ملل متحد در عراق

اخبار و رویدادها....

توضیح: اخبار زیر توسط رفقای سازمان از داخل کشور ارسال شده است:

اعتماد کارگران کارخانه چیت سازی

کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر در تارسی - ۷۱/۱۲/۱۹ به علت عدم دریافت حقوق، پاداش و عیدی دست به اعتصاب زدند. کارگران بدنمال عدم تحفـق خواستهای خود تقاضای ملاقات با مدیر کارخانه را داشتند و مدیر کارخانه در حالیکه مامورین انتظامی رژیم اطراف اطاق او را گرفته بودند، ارتـرس و تقاضای کارگران مخالفت می‌کند و حتی به خانه خود نمرود و مدت سه روز در اطاق محل کارش می‌ماند. کارخانه چیت سازی بهشهر دارای ۱۴۰۰ کارگر است و در بهمن ماه سال گذشته به نیمی از کارگران مقداری پارچه بعنوان عیدی می‌دهند که بعـلت پائین بودن کیفیت پارچه، مشکلات فروش و ارزان بودن سـرخ پارچه‌های داده شده، بقیه کارگران از دریافت پارچه بعنوان عیدی و پاداش خودداری می‌کنند و خواستار دریافت پول نقد می‌شوند. کارگران همچنین با نصب یک بلاکارد در محیط کارخانه خواستار عزل مدیر عامل کارخانه می‌شوند پس از سه روز از گذشت اعتصاب، تعدادی از مسئولین شهر در جمع کارگران حاضر شده و قول بیگیری تقاضای کارگران را داده و از آنها می‌خواهند که کار را شروع کنند. کارگران از قیـسول این امر خودداری می‌کنند.

اعتراض دانش آموزان دبیرستان بهشتی

در تاریخ ۷۱/۱۲/۲۰ تعدادی از دانش آموزان دبیرستان بهشتی در منطقه ۲ تهران واقع در شهرک زاندارمری به دلیل بلند بودن موی سرشان از جلسه در صفحه ۲

برخی از رویدادهای تاریخی

خرداد ماه

۱۲۹۹/۳/۱۴ - سالروز اعلام جمهوری کیلان توسط میرزا کوچک خان
۱۲۱۰/۳/۱۰ - تصویب قانون ضد کمونیستی معروف به قانون سیاه توسط رژیم رضا شاه
۱۳۲۰/۳/۲۹ - خلع پید از شرکت نفت انگلیس توسط دولت ملی دکتر محمد مصدق
۱۳۲۸/۳/۲۲ - اعتصاب ۴۰۰۰۰ نفری کارگران کوره پز-خانه‌های تهران و شهادت ۵۰ کارگر کوره پزخانه در یورش مزدوران رژیم محمد رضا شاه به اعتصاب کنندگان
۱۳۴۲/۳/۱۵ - قیام خونین مردم تهران علیه دیکتاتوری شاه
۱۳۴۹/۳/۲۰ - شهادت آیت الله سعیدی در شکنجه - گاهای رژیم شاه
۱۳۵۱/۳/۴ - اعدام بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق ایران، شهیدای قهرمان محمد حنیف نژاد - سعید محسن علی اصغر بدیع زادگان - رسول مشکین فام و محمود عسگری زاده توسط مزدوران رژیم شاه
۱۳۵۲/۳/۲۵ - شهادت مجاهد قهرمان رضا رضایی در درگیری با مزدوران ساواک شاه
۱۳۵۷/۳/۱۵ - درگذشت کاک عزیز یوسفی از مبارزان پر سابقه دوران سیاه دیکتاتوری شاه پـس از آزادی از زندان
۱۳۵۸/۳/۹ - سرکوب خلق عرب در خوزستان ایـران توسط رژیم خمینی به فرماندهی تیمسار شاهنشاهی سید احمد مدنی (چهارشنبه سیاه)

۱۳۵۹/۳/۱۵ - اعلام تعطیل رسمی دانشگاه‌های سراسر کشور و هجوم مزدوران رژیم جمهوری اسلامی بسـه خوابگاههای دانشجویان دانشگاهها در ادامه اقدامات ارتجاعی موسوم به انقلاب فرهنگی
۱۳۵۹/۳/۲۲ - برگزاری میتینگ بزرگ توسط مجاهدین در صفحه ۱۱



برای فتح قله‌های
پر صلابت عشق؛
عشق به آزادی؛
عشق به مردم؛
عشق به برابری؛
یامرگ یا پیروزی

شهادای فدایی
خرداد ماه

رفقا: حسن نیک داوودی - امیر پرویز پویان - اسکندر صادقی نژاد - رحمت الله پیروندیزی - بهروز دهقانی - حسن معصومی همدانی - علیرضا شهاب رضوی - مریم شاهی - خسرو ترکگل - حسین سلاجی - مینا طالب زاده شوشتری - علیرضا رحیمی علی آبادی - حسین موسوی دوست موجالی - رفعت معماران بنام - سلیمان پیوسته حاجی محله - نعمت باشعور - سعید سلطان پور - ماریا کاظمی - منصور فرسا - مهدی پهلوان - شهرام میرانی (دره‌اند) - محمد رضامحمدیان بابا علی اکاک رشید - حمید میرشکاری - ولی سوسنی - منوچهر اویسی - جعفر قنبرزاد - بهوش آذربان - طوسی سلهای ۴۹ کتون در خرداد ماه در درگیری با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع شهادت رسیده و یادروزند انهای دزخمان ستمگر شاه و خمینی اعدام شده‌اند.

انتشار نشریه مجاهد

سومین دوره انتشار هفتگی نشریه "مجاهد" از تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۷۲ آغاز شده است. نخستین دوره انتشار هفتگی نشریه مجاهد از مرداد ۵۸ فاروانا آئیر ۱۱۳۶۰ داشته داشت. دومین دوره انتشار نشریه مجاهد از ۱۱ آذر و ۲۳ اردیبهشت ۶۵ داشته داشت. اینک دوره سوم انتشار نشریه مجاهد شماره ۱۲۹۶ فاروانا آئیر ۱۱۳۶۰ برای دست اندرکاران نشریه مجاهد از روی موفقیت می‌کنیم و امیدواریم این نشریه در راستای سرنگونی رژیم اخوندی گانه‌های موثر به پیش برآورد.

با کمک های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز: سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه ای انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است. کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد، یا مستقیما به دیت ما برسانید یا به حساب بانکی زیر واریز کرده و رسید آنرا به آدرس سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک
BOULOGNE - S - SEINE آدرس بانک
03760 کد گیشه
00050097851 شماره حساب
MME; R. - T - TALAT نام صاحب حساب

NABARD E_kHALGH No 93

ORGAN OF THE ORGANIZATION OF IRANIAN PEOPLE'S FEDAIAN GUERRILLAS.

21 mars 1993

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس های زیر مکاتبه کنید

دانمارک

HOVIAT
POST RESTANTE
MIMERS GADE 118

2200 N
DANMÅRK

امریکا

HOVE YAT
P.O BOX 3332
RESTON, VA 22090
U.S.A

فرانسه

NABARD
B.P 20
91350 GRIGNY CEDEX
FRANCE

آلمان غربی

P.L.K
Nr.039999 D
5000 KOLN 1
W - GERMANY